

## زمینه های اجتماعی ایجاد صندوق همبستگی مالی و کمک به کارگران اعتصابی!

صفحه ۲

نسان نودینیان



## در مورد احزاب ناسیونالیست قومی کرد پاسخ به دو سؤال

عبدال گلپریان



دوستی از فعالین سیاسی در کردستان دو سؤال را مطرح کرده است که در پایین همراه با پاسخهای من آمده است.

"عبدال گرامی با درود خسته نباشید. در موارد زیادی در رابطه با نقش، اهداف و سیاستهای احزاب ناسیونالیست کرد مطلب نوشته اید. من و دوستانم این مطالب را دنبال میکنیم و بسیار خط دهنده بوده اند. طی روزهای اخیر موضوعات داغی از سوی احزاب ناسیونالیست کرد مطرح شده اند که برای ما فعالین سیاسی داخل در کردستان زیر ذره بین قرار دارند و مشتاقیم پاسخ شما به آنها را بدانیم."

یکم اینکه عبدالله مهدی از سازمان زحمتکشان از نیروی پیشمرگ ملی، پارلمان، حفاظت از اموال بجا مانده اقتصادی و اداری و مسایلی از این قبیل بعد از سرنگونی حکومت اسلامی صحبت کرده است. شما این سخنان را چگونه ارزیابی میکنید و این صحبتها میخواهد چه پیامی را برساند. بنظر شما آیا این احزاب شانس این را دارند که ساختاری شبیه حکومت اقلیم را به کردستان ایران قالب کنند؟ و سؤال دوم اینکه اخیرا تلویزیون روداد در کردستان عراق (اگر اشتباه نکنم روز شنبه ۲۶ مرداد) در بخش خبری اش بنقل از مصطفی هجری از حزب دمکرات کردستان ایران اعلام کرد که هجری گفته است که، "ما چند سالی است از مسایل و رویدادهای داخل شهرهای کردستان دور شده ایم و در واقع از مبارزات مردم عقب افتاده ایم."

این شکوه ها از سوی حزب دمکرات کردستان ایران از نظر شما چگونه قابل توضیح است. آیا سخنان هجری و مهدی در تناقض با هم قرار ندارند؟ ممنون میشوم به این دو سؤال جواب دهید. با تشکر. از طرف جمعی از فعالین چپ در کردستان"

ابتدا در مورد سخنان عبدالله مهدی باید بگویم که این اظهارات پیشینه ای قدیمی و تاریخی بقدمت بقدرت رسیدن حکومت اقلیم در کردستان عراق دارد. از این رو چیز تازه ای در بر ندارد. شاید آنچه که تازگی داشته باشد این است که در شرایط حاد و متحول سیاسی کنونی در ایران و مشخصا در کردستان دارد اتفاق میافتد عنوان شده است. سازمان مهدی و دیگر احزاب ناسیونالیست کرد همیشه در تلاش بوده اند که از بالای سر مردم با بند و بست و بده و بستان به اهداف خود دست پیدا کنند. متأسفانه باید بگویم علاوه بر احزاب ناسیونالیست کرد، خط راست و ناسیونالیستی درون سازمان کردستان حزب کمونیست ایران نیز خود را در این افق و استراتژی شریک احساس میکند و بارها در انتلافهایی با بقیه احزاب و سازمانهای اپوزیسیون

صفحه ۲

## اعتصابات کارگری و چشم انداز خیزش توده ای

صفحه ۳

حمید تقوایی

## ۲۸ مرداد ۵۸ فرمان حمله خمینی به کردستان برای کوبیدن انقلاب

صفحه ۶

عبدال گلپریان

## به صندوق همبستگی با اعتصابات کارگری در ایران کمک کنید!

صفحه ۷

## فروش هر نوع تجهیزات نظامی به جمهوری اسلامی باید ممنوع شود

صفحه ۸

حزب کمونیست کارگری ایران

## اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

صفحه ۸

عزیزه لطفی

## اطلاعیه های حزب ویژه اعتصابات کارگری

\* اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه در پنجاه و نهمین روز  
\* ادامه اعتصابات با شکوه کارگران نفت، هفت تپه و هیکو  
\* فراخوان به کارگران نیشکر هفت تپه و خانواده های آنها

صفحه ۹

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## از صفحه ۱ در مورد احزاب ناسیونالیست...

ناسیونالیست کرد در این گونه تلاشها قدم برداشته است. نمونه های روشن همسویی این جریانها را میتوان در "کنگره ملی کرد"، "کنفرانس میری در کردستان عراق"، در "کمیته دیپلوماسی با شرکت ۳۳ سازمان و حزب ناسیونالیست و اسلامی" و "خیز برداشتن مخفی و پنهانی برای زده بند با نمایندگان جمهوری اسلامی در کشور نروژ" را نام برد.

تمام این تلاشها و دیگر فعالیتهای این احزاب در چنین راستایی به این خاطر است که نه تنها با امیال و آرزوهای مدرن، سکولار، چپ و کمونیستی جامعه کردستان بیگانه و بی ربط هستند بلکه درست بدلیل همین بی ربطی ناچارند تحقق اهداف خود را در بالا جستجو کرده و به آن دست یابند.

تمام این تلاشها از سوی احزاب ناسیونالیست قومی و اسلامی کرد که خودشان را اپوزیسیون میدانند، درست در نقطه مقابل حرکتهای اعتراضی رادیکال توده ای و اجتماعی مردم کردستان قرار میگیرد. این اقدامات یعنی از هم اکنون خط و نشان کشیدن در مقابل شوراهای کارگری، یعنی ایستادن در مقابل شوراهای محلات و عقب زدن اعمال اراده حاکمیت توده ای مردم در کردستان در فردای سرنگونی جمهوری اسلامی.

ارتش و نیروی مسلح ملی که مهتدی از آن سخن میگوید یعنی همان نیروی پیشمرگ ۷۰ و ۸۰ هر دو حزب طالبانی و بارزانی که طی ده سال اخیر تا به امروز به سرکوب مبارزات و اعتراضات مردم کردستان عراق مشغول بوده است. یعنی سازمان دادن نیروی مسلحی که صدای هر گونه حق خواهی را با گلوله و ترور پاسخ بدهد. مسئله پارلمان هم به همین شکل است. پارلمان از منظر احزاب ناسیونالیست کرد یعنی جمع شدن نمایندگان همین احزاب در ساختاری بنام پارلمان زده بند با دولتهای منطقه که کاری جز تدوین قوانین ضد مردمی و تدوین قوانین تقسیم هستی، سود، سرمایه و دسترنج کارگران و کل مردم را ندارد. پارلمان برای احزاب ناسیونالیست کرد یعنی تدوین قوانینی برای سرکوب

شوراهای کارگری، شوراهای شهر و محلات.

مهتدی با اظهار اینکه نباید سرمایه های موجود دست زده شوند در واقع میگوید به نهادها و مراکز اقتصادی که در دست کاربدستان و سپاه و ارتش هستند کاری نداشته باشید. این احزاب بخیل خود فکر میکنند با اینگونه حرفها میتوانند مردم خشمگین و معترض به چهل سال فقر و جنایت از دست بردن به گلوگاه اقتصادی حکومت را مانع شوند. خوابی که امثال مهتدی در این نصایح می بینند این است که همین ساختارها به همین شکل تحویل آنان داده شود تا کدخدانمنشی خود را از این طریق بر مردم اعمال کنند. آنان باید مطمئن باشند که چنین اتفاقی نخواهد افتاد و توده میلیونی قیام کننده اجازه نخواهند داد پروسه دست بدست شدن قدرت چه در مرکز و چه در کردستان از نظر نظامی، سیاسی و اقتصادی با خیال راحت و به خواست و تمایل احزاب قوم پرست صورت بگیرد. آنچه و آنکه حرف نهایی و اول و آخر را میزند مردم قیام کننده و از طریق نمایندگان منتخب خود در شوراهایشان است که توسط ستادهای مسلح مردمی حمایت میشوند.

تمامی آرمانهای اظهار شده از سوی عبدالله مهتدی که سخن و حرف دل تمامسی احزاب ناسیونالیست کرد است، گویای عدم اتکا و بی ربطی آنان به حرکتها و جنبشهای اعتراضی و رادیکال مردم است.

همینجا به گفته های مصطفی هجری از حزب دمکرات کردستان ایران هم اشاره کنم. هجری بدرجات زیادی درست میگوید. از هر زاویه ای که باشد سخنان مهتدی را تکمیل میکند اما با بیان دیگری. از این رو با هم تناقض ندارند. وقتیکه مصطفی هجری سخن از عقب ماندن از مبارزات مردم میزند به این معنی است که ناسیونالیسم به بن بست و به آخر خط رسیده است. به این معنی است که با آرمانهای انسانی بیربط و بیگانه است. از اینرو چاره ای جز آویزان شدن به گزینه هایی از بالای سر مردم ندارد. طی سالیان متمادی

کارشان همین بوده است. امید بستن به حمله نظامی آمریکا به ایران، رژیم چنج، بحران آفرینی در مرزها و ایستادن در جدال و صف بندیهای دولتهای منطقه و بسیاری دیگر از این اقدامات، کارنامه این احزاب را تشکیل میدهد. سخنان هجری در واقع اعتراف به شکست و بن بست افق و اهداف احزاب ناسیونالیست کرد است.

این جریانات جلو چشمانشان و در بیخ گوششان شکستن استخوانهای حکومت اقلیم را می بینند و میشوند. حزب مصطفی هجری نا امیدانه هر گونه بند و بست از بالای سر مردم را تنها راهکار حزب خود میدانند تا خواب سهم خود در اتوبی آینده کردستان ایران را با بند و بست توجیه کنند. مهتدی اما امیدوارانه به این اتوبی نگاه میکند.

این افق ویرانگر آیا ممکن است یا نه باید با اطمینان خاطر گفت غیر ممکن است. چرا میگویم غیر ممکن است؟ یکم اینکه الگوی مهتدی یعنی حکومت اقلیم که از سوی مردم معترض، خشمگین و ناراضی در کردستان عراق مدتهاست به چالش طلبیده شده است. دوم اینکه در کردستان عراق پدیده ای به اسم ستم ملی مدتهاست موضوعیت ندارد چرا که حکومت مرکزی عراق نزدیک به سه دهه است در کردستان عراق هیچگونه حضور سیاسی، نظامی، اجتماعی و فرهنگی ندارد. اگر طی سه دهه اخیر حکومت صدام حسین و حکومتهای بعد از ۲۰۰۳ در عراق، بر مردم کردستان عراق ستم اعمال کرده اند اکنون و طی این سه دهه احزاب ناسیونالیست، طایفه ای، عشیره ای و اسلامی حاکم بر کردستان عراق این ستم را اعمال کرده اند. از این رو اینها مدتهاست نمیتوانند با صراحت از رفع ستم ملی بر مردم کردستان ایران حرف بزنند و به همین خاطر به دامن فدرالیسم قومی خیزده اند. در نتیجه مردم کردستان ایران که پیشینه مبارزات آنان بر حاکمیت شورایی و اعمال حاکمیت توده ای استوار بوده و تجارب ارزنده ای بعد از قیام ۵۷ را در دست دارند، دیوانه نشده اند که سنتهای رادیکال، چپ و انسانی را کنار بگذارند و روی اسبی که بارها شکست و باخت خود را نشان داده

## زمینه های اجتماعی ایجاد صندوق همبستگی مالی و کمک به کارگران اعتصابی! نسان نویدینان



با گسترده شدن اعتصابات کارگری در سطح سراسری، در مراکز مختلف تولیدی نیاز مبرم به ایجاد صندوق همبستگی مالی و کمک به کارگران اعتصابی وجود دارد. هم اکنون اعتصابات کارگری در چندین مرکز تولیدی، صنایع نفت، پتروشیمی، هفت تپه، هیکو، کارگران راه آهن، کارگران شهرداری و ... در جریان است. اعتصابات برای دریافت حقوق های پرداخت نشده، قراردادهای موقت و نا امنی محیط کار برگزار میشود. در تعداد بسیار زیادی از مراکز تولیدی، در تعداد بسیار زیادی از شهرها کارگران شهرداری ها حقوق هایشان از دو ماه تا سه ماه و تا نزدیک به یکسال پرداخت نشده است. پرداخت نشدن حقوق ها، تحمیل

اجباری فقر توسط دولت و کارفرما به کارگران و خانواده هایشان تا سطح چند برابری زندگی زیر خط فقر و کوچک و کوچک شدن سفره هایشان است. اعتصابات کارگری برای نجات از فقر مطلق و پرداخت نشدن حقوق ها و تلاش برای تامین زندگی است. اعتصابات کارگری گام مهمی در جهت تقویت و همبستگی برای مبارزه سراسری تا سرنگونی این حکومت و انقلاب مردم است.

ضرورت ایجاد صندوق همبستگی مالی و کمک به کارگران اعتصابی جواب و صفحه ۷

عقب مانده مهر پایانی بگذارند. علیرغم اینها نباید از ایجاد مزاحمت آنان در فردای سرنگونی حکومت اسلامی غافل بود. تنها اسلحه و تنها ضامن یک شرایط سالم سیاسی، انسانی و مدرن، تقویت نهادهای توده ای، تقویت شوراهای بعنوان تنها ارگانهای حاکمیت مردم و نیروی مسلح توده ای است که از این نهادها حفاظت کند.

از هم اکنون این روند را باید تقویت کرد. ماهیت مخرب احزاب ناسیونالیست قومی کرد که میکوشند سراسر کشور را بر حسب "قوم"، "ملیت"، "نژاد"، "مذهب"، "زبان"، "فرهنگ خودی" و دیگر القاب تفرقه افکنانه تحت عنوان "فدرالیسم قومی" در میان شهروندان تقسیم کنند، باید آنرا برای افکار عمومی بیشتر و بیشتر روشن ساخت. امیدوارم پاسخ به این دو سؤال را توانسته بوده باشم بدهم. برایت در پیشبرد اهداف آزادیخواهانه، برابری طلبانه و سوسیالیستی آرزوی موفقیت میکنم.

## اعتصابات کارگری و چشم انداز خیزش توده ای

### حمید تقوائی

این نوشته بر مبنای سمیناری که در تاریخ ۱۳ آوت تحت همین عنوان برگزار شد تدوین شده است

این بحث درباره اعتصابات کارگری است و نقشی که این اعتصابات میتوانند در خیزش عمومی و جنبش عظیم سرنگونی طلبانه در جامعه داشته باشند. من از این زاویه می‌خواهم اعتصابات جاری را بررسی کنم.

نکته اول اینست که این اعتصابات در سطحی که شاهدش هستیم در جمهوری اسلامی بی‌سابقه بوده است. اگر سالهای اول بعد از انقلاب ۶۷، که در واقع مبارزات کارگری در آن دوره ادامه انقلاب بود، را کنار بگذارید، در هیچ دوره ای اعتصابات کارگری چنین گسترده و تعرضی نبوده است. و این تحولی بسیار امیدبخش و نوید بخش است. این اتفاق شورانگیزی است که جنبش کارگری در این ابعاد بمیدان می آید. در حال حاضر بیش از ۵۰ مرکز کارگری عمده و تعیین کننده در اعتصاب به سر می‌برند. در میان این مراکز بیش از ۴۰ واحد تولیدی متعلق به صنعت نفت و گاز و پتروشیمی و رشته های وابسته به آنست. و این اعتصابات در حال گسترش است. پیش کسوت این دور اعتصابات کارگران نیشکر هفت تپه هستند که بیش از دو ماه است در اعتصاب به سر می‌برند. همران اعتصاب کارگران هپکو، که سابقه و نقش مهمی در جنبش کارگری دارد، را شاهد هستیم که از حدود دوهفته قبل شروع شده و همین طور مراکز دیگری که وقت نیست در اینجا به همه آنها پردازیم.

این سطح از اعتصابات بطور تصادفی و در آسنان بی ابر اتفاق نمی افتد. به نظر من هم از لحاظ مضمون و هم از لحاظ شکل ما با یک حرکت ویژه ای روبرو هستیم که خود بازتاب و نمایندگی جو ملت به و فضای اعتراضی جامعه علیه جمهوری اسلامی و علیه کل وضعیت موجود است. شما حتی اگر مبارزات بخشهای دیگر جامعه را نادیده بگیرید و فقط اعتصابات کارگری جاری را در نظر بگیرید می بینید این نشانه وضع کاملا ویژه ای در شرایط سیاسی ایران و توازن قوای تازه ای نه تنها در میان کارگران و کارفرمایان بلکه بین طبقه کارگر و طبقه حاکم و به یک اعتبار اکثریت عظیم جامعه و طبقه حاکم است. ما با شرایط جدیدی مواجه هستیم. شرایط جدید به معنی مثبت کلمه یعنی شرایطی به نفع جبهه انقلاب، جبهه کارگران و توده مردمی که به زیر خط فقر رانده شده اند و علیه یک درصدهای

حاکم و دولتشان. علیه جمهوری اسلامی و سرمایه داران و دار و دسته های مفتخوری که زیر عباي این حکومت به دزدی و چپاول و تسه کشیدن از گرده کارگران مشغولند. این در دوره چهل ساله حکومت جمهوری اسلامی وضعیتی کاملا ویژه است و من می‌خواهم این ویژگی را اینجا توضیح بدهم.

### ویژگی مضمون اعتصابات

از نظر مضمون اساس این اعتصابات علیه بی تامينی اقتصادی و فقر و شرایط غیر قابل تحمل معیشتی است که به طبقه کارگر تحمیل شده است. وقتی حتی صنعت نفت - که به خاطر نقش حساس و تعیین کننده اش در اقتصاد ایران همیشه حکومت سعی میکرد شرایط معیشتی نسبتا بهتری برای کارگران فراهم کند و سطح دستمزدهایش مخصوص برای کارگران متخصص و تمام وقت نسبتا بالاتر از بخشهای دیگر طبقه کارگر است - به اعتصاب دست می‌زند این نشانه وضعیت فلاکت‌آر اقتصادی است که بر جامعه و مشخصا بر طبقه کارگر حاکم کرده اند. خواست کارگران فقط افزایش دستمزدها نیست. شرایط فلاکت‌آر اقتصادی جنبه ها و دلایل مختلفی دارد و کارگران اعتصابی هم دقیقا روی همین جنبه ها انگشت گذاشته اند. پرداخت دستمزدهای عقب افتاده تا افزایش دستمزدهای ۵ مرتبه زیر خط فقر، که تازه اگر پرداخت هم بشود برای گذران زندگی يك خانواده کارگری حتی برای ده روز هم کفایت نمیکند، يك خواست پایه ای کارگران است. اما مساله مهم دیگر کارگران که بر معیشت و تامین شغلی آنان مستقیما تاثیر می‌گذارد نحوه اداره مراکز تولیدی و کل اقتصاد است. مشخصا در هفت تپه يك مساله اساسی کارگران دزدی و فساد و ناکارآمدی اسدیگی، کارفرمای کارخانه است. کارگران با او بخاطر نا کارآمدی و دزدیها و فساد در افتاده اند و فراتر از آن با خصوصی سازی نیشکر هفت تپه مخالفند بخاطر اینکه کل موجودیت و ادامه کار این مجتمع تولیدی را در خطر می بینند. کارگران در برابر احتمال کوچک کردن این مرکز تولیدی و اخراج بخش وسیعی از کارگران و نهایتا اعلام ورشکستگی این واحد تولیدی ایستاده اند و با مخالفت با خصوصی سازی در واقع اعتراض خود را به چنگ انداختن دارو دسته های مافیای حکومتی بر نیشکر هفت تپه و پیاده کردن چنین سیاستهای ضدکارگری ای اعلام میکنند. اعتراض کارگران به خصوصی سازی به این

معنی نیست که فکر میکنند با دولتی شدن مشکلاتشان حل میشود. واقعیت اینست که در قالب خصوصی سازی يك دارو دسته فاسد دزد چپاولگر وابسته به حکومت و بسیج و سپاه و آیت الله های میلیاردر بر مراکز تولیدی حاکم میشود و مشخصا کارگران هفت تپه این را تجربه کرده اند و این وضعیت را دیگر تحمل نمیکند. بقول خود حکومتی های نام بهتر بخش خصوصی بخش خصولتی یا خصوصی - دولتی است یعنی خصوصی سازی در خدمت افزایش ها و رانتخوارهای حکومتی. کارگران هفت تپه بدست این را تشخیص داده اند و علیه آن بمیدان آمده اند.

کارگران خواهان آن هستند که دولت مدیری برای نیشکر هفت تپه تعیین کند و تازه دست مدیر هم باز نباشد بلکه تحت نظارت و با مشورت با کارگران کشت و صنعت هفت تپه اداره بشود. کارگران بارها اعلام کرده اند که ما در هفت تپه از هر مدیری بهتر میتوانیم این واحد تولیدی را اداره کنیم. ما بهتر از هرکسی تجربه داریم و چه و خم کار را میشناسیم و میتوانیم تولید را سازمان بدهیم، شما فقط این فساد و دزدی را از کارخانه جمع کنید ما هفت تپه را حفظ میکنیم و نه تنها ورشکست نمیشود بلکه میتواند خیلی هم رونق داشته باشد. این در واقع بیان دیگری از اداره شورانی است که دوسال قبل اسماعیل بخشی رهبر کارگران هفت تپه در آن زمان اعلام کرد. امروز کارگران میگویند ما نه اسدیگی را می‌خواهیم و نه هیچ کارفرمای خصوصی دیگری را. دولت مدیری بفرستد که تحت نظارت ما و مشاوره ما کارخانه را اداره کند. این يك خواست اساسی کارگران است که اگر متحقق بشود کارگران خواهند توانست مساله اخراجها و دستمزدها و دیگر مسائل را نیز از موضع بهتر و قدرتمندتری حل و فصل کنند. يك خواست دیگر کارگران بازگشت به کار اخراجی ها است. کارگران خواهان آن هستند که اسماعیل بخشی و کارگران دیگری که در دوره اول اعتصاب هفت تپه دستگیر شدند و از کار اخراج شدند به کار برگردند.

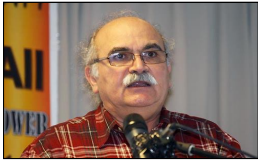
کارگران هفت تپه در دور اول اعتصابشان در دوسال قبل هم خواست اداره شورانی را مطرح کردند و مضمون خواستهای امروزشان هم همین است. حرفشان اینست که هفت تپه را ما میتوانیم اداره کنیم، شما نمیتوانید. شما میخواهید میلیون میلیون بزدید و هفت تپه را به ورشکستگی بکشانید. کارگران در نامه سرگشاده ای به مردم کانادا افشا کرده اند که اسدیگی کارفرمای خصوصی نیشکر هفت تپه با

کمک مقامات همدستش در حکومت مبلغ کلانی بالغ بر يك و نیم میلیارد دلار ارز اختلاس کرده و حدود ۷۰۰ میلیون دلار آنرا به حساب شخصی خود در بانکهای کانادائی منتقل کرده است. کارگران میگویند دیگر اجازه نمیدهیم این دزدیها و چپاولگرها صورت بگیرد. الان صحبت اینست که بجای اسدیگی يك سپاهی را بفرستند و کارگران با این هم مخالفت کرده اند. کارگران میگویند اسدیگی را بیرون نگردیم که یکی بدتر از او بیاید.

کارگران در واقع در مقابل فساد بمیدان آمده اند. در برابر غارت و چپاول کارخانه ها، همان اقتصاد خصولتی باندهای مافیائی و علیه دزدسالاری حاکم بر کل جامعه. به همین دلیل موضوع مبارزه آنها از هفت تپه و از مبارزه متعارف صنفی برای دستمزدها یا بیمه بیکاری یا دیگر خواستههای صنفی مربوط به شرایط کار فراتر میرود. این مطالبات البته عاجل و حیاتی است ولی کارگران میخواهند مساله را ریشه ای تر حل کنند. آنها کل سیستم اداره کارخانه بوسیله وابستگان و رانتخواران و مافیای حکومتی را بجایش میکشند و علیه خصوصی سازی هستند چون تحت لوای خصوصی سازی این سیستم غارت و چپاول کار میکند. به این دلیل است که مطالبات کارگران از سطح دستمزدها و حق بیمه و دیگر مطالبات معیشتی فراتر میرود و سیاستهای اقتصادی حکومت را به چالش میکشد. به نوعی کارگران به حیطه اداره امور پا گذاشته اند و در واقع در مورد نوع مالکیت و نحوه مدیریت کارخانه نظر میدهند و بر آن پافشاری میکنند.

این خواست اداره کارخانه و اینکه ما کارگران میگوئیم مالکیت کارخانه و نحوه اداره اش بطور باشد ویژه شرایط ایران است. این حتی در اعتصابات کارگران در غرب هم بیسابقه است. در کشورهای غربی اعتصابات قانونی و سازمانیافته تر و گسترده تر است. اتحادیه های پر نفوذی وجود دارند و کارگران برای حق تشکل و اعتصاب جنگیده اند و حقوقی بدست آورده اند و ابزار بیشتری برای اعمال فشار دارند ولی خواستهایشان از مطالبات صنفی فراتر نمیرود. اما وقتی در هر کشوری خواست کارگران میبرد بر سر اداره کارخانه و تعیین مدیر کارخانه و صاحب کارخانه و دولتی یا خصوصی بودن کارخانه، این دیگر فراتر رفتن از حیطه مبارزه صنفی و پا گذاشتن در دایره اداره اقتصاد به معنی کلان کلمه است. از این نظر نیز اعتصاب نیشکر هفت تپه يك گام بزرگ جنبش کارگری به پیش است.

در اعتصاب کارگران نفت هم در



عین اینکه سطح دستمزدها و تامین معیشت يك خواست عمده است يك خواست اساسی و سراسری کارگران قطع دست پیمانکاران و دلانان است. اگر در هفت تپه اسدیگی این نقش را دارد در صنعت نفت شرکت های متعددی بعنوان پیمانکار و بعنوان دلال خون کارگران را در شیشه کرده اند. بخشی از سود و درآمد واحدهای تولیدی در صنعت نفت به جیب های گشاد این پیمانکاران و دلانان سرازیر میشود. و در مواردی زنجیره ای از این پیمانکاران مشغول چپاول هستند. کارگران صنعت نفت در برابر این وضعیت ایستاده اند.

يك خواست دیگر کارگران نفت لغو قراردادهای موقت است. قراردادهای موقت و سفید امضا که به بخش وسیعی از کارگران پیمانی تحمیل شده است. کارگران تامین شغلی میخواهند و خواستار قرار دادهائی هستند که کارفرما نتواند هر موقع خواست آنها را اخراج کند.

اینجا هم می بینید مضمون و خواست اعتصاب از مساله دستمزدها فراتر میرود. اینجا هم در واقع بحث بر سر اینست که چطور صنعت نفت را اداره کنیم. الان جمهوری اسلامی کل صنعت نفت یعنی پالایشگاهها و پتروشیمی ها و گاز و نیروگاهها و صنایع وابسته به آنها که بخش وسیعی از تولید و کل اقتصاد در ایران را تشکیل میدهد را به بخشها و شاخه های مختلفی تقسیم کرده و به مقاطعه کارها و پیمانکارها و دلانان متعددی سپرده است. که البته سهامداران اصلی این شرکتها هم رانتخوارها حکومتی و دار و دسته های مافیائی حکومت، بسیج و سپاه و بیت رهبری و اعوان و انصار آیت الله های میلیاردر هستند. کارگران صنعت نفت میگویند این بساط را جمع کنید. و به همین دلیل این به يك خواست عمومی و سراسری در صنعت نفت تبدیل میشود و بیش از چهل مرکز در صنایع نفتی و رشته های وابسته به آن به اعتصاب می پیوندند. برده خواست نه به پیمانکاران و قراردادهای موقت حتی از کارگران نفت فراتر میرود. بیش از ۷۰ درصد کارگران صنعت نفت و ۹۰ درصد کارگران در کل ایران قرار دادی کار میکنند و کارگران اعتصابی در واقع حرف و خواست آنها را نمایندگی میکنند.

کارگران اعتصابی چه در هفت تپه و چه در صنعت نفت دارند میگویند

## از صفحه ۳ اعتصابات کارگری و ...



چطور باید اقتصاد را اداره کرد.

هنوز نمیگویند مخالف مالکیت خصوصی بر کارخانجات و مراکز تولیدی هستیم. این دیگر مطالبه نیست بلکه انقلابی که در ایران شکل میگیرد باید این را متحقق کند ولی امروز کارگر اعتصابی در واقع همین حرف را میزند متنی در شکل و قالبی که در چارچوب نظام سرمایه داری میتواند مطرح کند. یعنی اعتراض و مخالفت با بخش خصوصی، پیمانکاران و دلان و مافیای اقتصادی حکومتی، و جaro کردن اینها از اقتصاد ایران.

کارگران هفت تپه تا همین جا چنان اعمال فشار کرده اند که حکومت که از ابتدا در دفاع از خصوصی سازی و حتی شخص اسد بیگی محکم ایستاده بود اکنون در مذاکره ای که هفته قبل نمایندگان کارگران هفت تپه با نمایندگان مجلس داشتند اعلام کردند این مساله به سه قوه مربوط میشود و باید بین خودمان بحث کنیم و تصمیم بگیریم. (به سه قوه مربوط میشود چون دار دسته های وابسته به هر سه قوه یا همان خصولتی ها در چپاول هفت تپه و دیگر مراکز تولیدی مستقیما دست دارند) . نتوانستند به کارگران بگویند ما از خصوصی سازی کوتاه نمی آئیم و اسدبیگی میرو و بجایش فلان حاج اقا می آید. خیز هم برداشتند همین کار را بکنند ولی الان مجبور شده اند بگویند سه قوه باید تصمیم بگیرد. این تاثیر دو ماه اعتصاب کارگران از جمله علیه خصوصی سازی است. در صنعت نفت هم کارگران میخواهند این بساط دزدی و چپاول را که تحت عنوان شرکتهای پیمانکار و مقاطعه کار واسطه و غیره به راه انداخته اند از صنایع نفتی جaro بشود.

## اعتصابات به نمایندگی از ۹۹ درصدیها

ما شاهد شکل گیری و گسترش اعتصابات کارگری با خواست اداره امور و مشخصا اداره مراکز تولیدی و اداره اقتصاد هستیم. اعتصاب سراسری در يك صنعت عمده و مادر یعنی صنعت نفت و رشته های وابسته به آن و همچنین در مراکز که بخاطر موقعیت

این ترتیب کارگر بلندگوی جامعه ای میشود که مدتهاست علیه فساد اعتراض میکند.

## ویژگی های شکل و شیوه اعتصابات

تا اینجا مضمون اعتصابات را بررسی کردیم. در اینجا لازمست به شکل اعتصابات هم بپردازیم. همان نکته ای که در مورد مضمون گفتیم یعنی اینکه شرایط متعارف نیست و این يك مبارزه صنفی علیه کارفرما و یا حتی مبارزه صنفی علیه دولت نیست بلکه يك مبارزه کلان است در مورد نحوه اداره اقتصاد و علیه فساد، به همین ترتیب در شکل مبارزه هم این ویژگی خودش را نشان میدهد. اینجا هم اعتراض کارگر در شکل اعتصاب بروز یافته است ولی این با اعتصابات در جوامع متعارف غربی متفاوت است. در آنجا کارگر اعتصاب میکند و در خانه میماند. یا حداکثر پیکت میگذارد که جلوی اعتصاب شکنان را بگیرد. ولی در ایران کارگر اعتصاب میکند و تجمع اعتراضی برپا میکند. هفت تپه يك نمونه برجسته است. کارگر اعتصابی شهر را به حرکت در می آورد. راهپیمایی میکند. تجمع میکند، سنگر درست میکنند. کارگران اعتصابی هفت تپه هر روز در مقابل دفتر مدیریت جمع میشوند و آنرا سنگر مینامند. هر روز مجمع عمومی تشکیل میدهند و سخنرانی و بحث و مشورت میکنند. دو ماه اعتصاب هفت تپه در واقع همراه است با دو ماه تجمعات هر روزه، سخنرانی های پرشور، مشورت و تصمیم گیری در مجمع عمومی، تجمع در سنگر، شرکت خانواده های کارگری در تجمعات اعتراضی، راهپیمایی در شهر و جلب توجه مردم (که يك نتیجه اش اعلام آمادگی بخشی از بازاریان شهر شوش برای کمک مالی به کارگران اعتصابی است)، و غیره. این ها البته تازه نیست و ویژگی مبارزات کارگری در چند سال اخیر بوده است. دو سال قبل نیز هم هفت تپه و هم فولاد اهواز و هم هپکو اعتصاباتشان همین شکل را داشت و همراه با راهپیمایی در شهر بود. تظاهرات و تجمع خیابانی کارگران هفت تپه در شهر شوش و راهپیمایی کارگران فولاد در شهر اهواز و تظاهرات کارگران اعتصابی هپکو در اراك با شعار زیر بار ستم نمیکنیم زندگی را همه بیاد داریم. همچنین نقش مجمع عمومی و شرکت خانواده ها در اعتصابات را. امروز هم همین ویژگی ها را شاهد هستیم.

يك ویژگی مهم هفت تپه تشکیل منظم مجمع عمومی است. کارگران هفت تپه بر مجمع عمومی متکی هستند و نمایندگانشان هر بحث و

تصمیمی را در مجمع عمومی مطرح میکنند و اتخاذ میکنند. مثلا هیات نمایندگیشان در مذاکره با مجلس بوسیله مجمع عمومی انتخاب شد و بعد از مذاکره هم به این مجمع گزارش دادند. به این ترتیب کل کارگران درگیر و دخیل هستند. سازماندهی و پیشبرد دو ماه اعتصاب ۵۰۰۰ کارگر هفت تپه تنها با اتکا به مجمع عمومی میتوانست صورت بگیرد. میدانید هفت تپه يك مجتمع کشت و صنعت گسترده است با بخشهای متعدد کشاورزی و نی بری و بخش تولید شکر و غیره. متحد نگاهداشتن همه این بخشها و مقابله با تفرقه افکنی های دولت بین بخشهای مختلف امر ساده ای نیست. اما کارگران توانسته اند از طریق مجمع عمومی این مهم را عملی کنند، کارگران را متحد کنند و اعتصاب را سازمان بدهند و به پیش ببرند.

حزب ما همیشه بر نقش تعیین کننده مجمع عمومی و شورا در حفظ اتحاد و سازماندهی مبارزه و مشخصا اعتصابات تاکید کرده است. و امروز داریم در عمل کارائی مجمع عمومی را میبینیم. بدون مجمع عمومی به نظر من اعتصاب هفت تپه نه تنها دوماه بلکه دو هفته هم دوام نمی آورد. حکومت میتواندست به سرعت تفرقه بیناندازد. همه تلاش خودش را هم کرد ولی کارگران با آگاهی و هشیاری و با دخیل کردن کارگران همه بخشها این تلاشها را خنثی کردند.

جنبه دیگر اینست که اعتصاب به کارخانه محدود نمی ماند بلکه کارگران با خانواده هایشان در سطح شهر و بعنوان شهروند بمیدان می آیند. و این کاملا به خواستها و شعارهای کارگران ربط دارد. اگر توده مردم غیر کارگر در این خواستها امیال و اهداف خودشان را نمیدیدند طبعاً حمایت چندانی هم نمیکردند. مردم زیر فشار گرانی و فقر و بی تامينی کمرشان خم شده است. فساد را مردم میدانند یعنی چه. باندهای مافیایی و خصولتی ها و دلالها و واسطه ها و پیمانکاران را مردم میشناسند. و به این دلیل است که جامعه همراه میشود و اعتصاب به يك نوع اعتراض و تجمع در سطح شهر تبدیل میشود.

در صنعت نفت ویژگی اعتصاب در سراسری بودن آنست، در اینکه در مراکز و شهرهای زیادی، از اصفهان و ماهشهر گرفته تا اهواز و آبادان و ایذه و قشم و غیره و غیره اعتصابات همزمان و همبسته با هم آغاز میشود. ما شاهد اعتصابات در يك سطح گسترده هستیم؛ گسترده هم از نظر جغرافیائی و هم از نظر تنوع نوع تولید و رشته های مختلف. فقط پالایشگاهها و پترو

شیمی ها نیستند. گاز و نیروگاهها و بسیاری از رشته های وابسته به صنعت نفت هم دست به اعتصاب زده اند. و این یعنی تنوع زیاد در شرایط مشخص اقتصادی اجتماعی کارگران با تخصص ها و سطح دستمزدها و مشخصات شغلی متفاوت. ب اینهمه الان نزدیک به دو هفته است نزدیک ۵۰ مرکز متحدانه در اعتصابند. این سراسری بودن هم مشخصه ای است که از خواستهای عمومی و سراسری ناشی میشود. مخالفت با واسطه ها و پیمانکاران و موقتی بودن قرا دادها خواست همه کارگران در همه این بخشهای صنعت نفت و فراتر از آن در همه صنایع و مراکز تولیدی در جامعه است. هفتاد درصد کارگران صنعت نفت و نود در صد کارگران در ایران با قراردادهای موقت استخدام شده اند. به همین خاطر در صنعت نفت کارگران توانسته اند در این شکل سراسری و متحد بمیدان بیایند.

حکومت تلاش میکند وعده ها و امتیازاتی به بعضی بخشها بدهد و اعتصاب را بشکند. کارگران در مقابل میگویند خواستهای ما سراسری است و با هشتگ دفاع از حقوق این را بیان میکنند. منظورشان هم از دفاع از حقوق صرفا دستمزدها نیست بلکه کل حقوق صنفی و سیاسی و اجتماعی کارگران است. مثل حق تشکل، حق اعتراض، حق برخورداری از بیمه بیکاری و بیمه های اجتماعی و درکلا حق برخورداری از يك زندگی درخور شان انسان. در مرکز این دفاع از حقوق لغو قراردادهای موقت و قطع دست پیمانکاران و دلالها قرار دارد. این يك خواست اساسی و پایه ای است که میتواند این شکل متنوع از نظر جغرافیائی و نوع کار در بخش کلبیدی اقتصاد ایران را متحد کند و بمیدان بیاورد.

## چشم انداز خیزش توده ای

این اشکال مبارزه ای که توضیح دادم نیز خودش نشانه شرایط ویژه و فضای عمومی سیاسی ای است که اعتصابات کارگری در آن شکل میگیرد. اینجا میرسیم به قسمت دوم بحث یعنی چشم انداز خیزش توده ای. نکته اول اینست که در دوسه سال اخیر ما شاهد خیزشهای توده ای وسیعی بوده ایم. مشخصا اعتراضات دی ماه ۹۶ و آبان ۹۸، دو نمونه برجسته خیزشهای توده ای بود. در ۹۸ جنبش سرنگونی بسیاری از ترفندهای حکومت را حثی کرد. مثل شلیک به هواپیما، مثل تعزیه گردانی حکومت بعد از قتل قاسم سلیمانی، مثل مضحکه انتخابات، یا دهه فجر و غیره.

## اعتصابات کارگری و ...



جنبش در همه این موارد حکومت را رسوا و سکه یک پول کرد و بالاخره در دیماه با شعار جمهوری اسلامی نابود باید گردد بخیا بان آمد.

شعار اساسی ۹۶ این بود که اصلاح طلب اصولگرا دیگه تمومه ماجرا و در ۹۸ مردم دست به کار شدند که ماجرا را تمام کنند. در آبان ۹۸ مردم به بانکها و دفاتر امام جمعه ها و مقر یگانهای ویژه حمله بردند، کار به درگیری نظامی کشید و در بعضی محلات مردم با اسلحه به مقابله نیروهای سرویگر پرداختند. خیزش توده ای تا آنجا و تا سقفی که میتوانست به پیش رفت اما نهایتا به عقب رانده شد. در این میان ویروس کرونا نیز به نفع رژیم عمل کرد. در مقابله با ویروس کرونا هم دیدیم که جامعه خودش آستین بالا زد و فعال شد.

به این ترتیب در دوسال اخیر ما شاهد برآمد استثنائی جنبش سرنگونی طلبانه بوده ایم. جنبشی که خیلی صریح و روشن علیه کل نظام و وضع موجود است و نهایتا با شعار جمهوری اسلامی نابود باید گردد به خیابان آمد.

بعد از دیماه ۹۸ بحث این بود که قدم بعدی چیست؟ قطور باید فراتر رفت؟

اعتصابات جاری کارگری بما راه نشان میدهد. در فاصله ۹۶ تا ۹۸ نیز اعتصابات کارگری از جمله هپکو و هفت تپه برجسته بود و زمینه ساز خیزش آبان ۹۸ هم همین اعتصابات بود. کلا اعتراضات و اعتصابات کارگری همیشه جریان داشته است. این خصوصیاتی که برشمرده تازه است اما اعتراضات و اعتصابات کارگری همیشه جریان داشته است. خیزشهای توده ای در این جو و شرایط شکل میگرفتند ولی علیرغم این رابطه مستقیمی بین خیزشهای توده ای و اعتصابات وجود نداشت. وقتی خیزشی رخ میداد همزمان و همبسته و همگام با اعتصابات کارگری نبود. جامعه وارد فاز طغیان و خیزش توده ای میشد بدون اینکه اعتصابات کارگری بخشی از این خیزش باشد.

به نظر من این بار اینطور نیست. این بار اعتصابات کارگری نه تنها

زمینه ساز بلکه میتوانند مستقیما آغازگر خیزش توده ای باشند. به این معنی که جامعه حول جنبش کارگری و در حمایت از جنبش کارگری که دارد خواستهای او را اعلام میکند بپا می خیزد و میتواند قد علم میکند. این بار چشم انداز خیزش توده ای فقط تظاهرات و تجمعات خیابانی و حتی درگیری های محلی نیست، بلکه گسترش اعتصابات تا سطح یک اعتصاب عمومی هم هست. چشم انداز خیزش توده ای در جامعه ای که روی دوش اعتصابات کارگری و با الهام از این اعتصابات و متکی به این جنبش بلند شده است. ممکن است بخشهای مردم معترض خواسته های مختلفی داشته باشند ولی این بار همبسته و همراه و همگام با جنبش کارگری وارد میدان میشوند چون عامل موثر و قوی و نوید دهنده ای را که در خیزشهای گذشته موقعیت برجسته ای نداشت و مانند امروز مورد توجه عمومی قرارنگرفته بود را مشاهده میکنند. این به توده معترض مردم امید و اتکا به نفس و قدرت تعرضی ای میدهد که صرفا با تظاهرات خیابانی قابل تامین نبود. این بار تظاهرات خیابانی همزمان با اعتصابات سراسری کارگری میتواند به یک انقلاب زیر و رو کننده و پیروزمند منجر بشود.

در همین شرایط ما شاهد اوجگیری مبارزه علیه اعدام هم هستیم. میتوان گفت جنبش سرنگونی در شرایط حاضر حول دو شاخه دفاع از حقوق و معیشت که جنبش کارگری پرچمدار آنست و اعتراض علیه اعدامها بروز پیدا کرده است. اینها به هم وابسته اند چون اعدام در ایران فقط یک مساله حقوقی و انسانی نیست بلکه قبل از هر چیز یک مساله سیاسی است. اعدامها ابزار حکومت است برای مرعوب کردن و برای سرکوب کردن مردم معترض. و حتی اگر زندانیان غیر سیاسی را اعدام می کنند این برای زهر چشم گرفتن از کل جامعه است. کما اینکه هشت جوانی که اخیرا محکوم به اعدام کردند همه از معترضین ۹۶ و ۹۸ بودند. اما هم اعتراض گسترده و درواقع رفتارندوم عملی که در آن بیش از ۱۱ میلیون نفر به لغو حکم اعدام این جوانان و کلا لغو

اعدام رای دادند، و هم مهمتر از آن گسترش اعتصابات کارگری در این شرایط نشانه اینست که جامعه از مرز ارباب گذشته است. هشتگ اعدامشان نکند و علیه حکم اعدام گسترده و تبدیل به یک ترند جهانی شد بخاطر اینکه رژیم میخواست با صدور حکم اعدام جوانان شرکت کننده در خیزشهای ۹۶ و ۹۸ از خیزش آتی، بقل خود مقامات از شورش گرسنگان، جلوگیری کند اما قضیه به عکس خود تبدیل شد.

برآمد و پیشروی بیسابقه جنبش علیه اعدام نیز نشان میدهد جو جامعه فضای عادی اعتراضات روزمره نیست. مبارزه علیه اعدام و مبارزه علیه فقر و فلاکت بخشی از جنبش سرنگونی است که با این پرچمها بجلو آمده است. این حرکت علیه اعدامها هم میتواند با اعتصابات کارگری به مراتب تقویت بشود و میتوان انتظار داشت و باید تلاش کرد که از یک طرف خواست لغو اعدام در جنبش کارگری جا باز کند و از جانب کارگران اعتصابی مطرح بشود و از سوی دیگر جنبش علیه اعدام به حمایت از اعتصابات کارگری برخیزد.

این رابطه متقابل بین جنبشهای اعتراضی جامعه میتواند بوجود بیاید. فی الحال خیلی از نهادها و چهره هایی که از اعتصابات کارگری دفاع کرده اند به جنبشهای اعتراضی مختلفی تعلق دارند. نویسندگان هستند، فعالین سازمانهای مردم نهاد هستند، دانشجویان هستند، و بخشهای دیگر جامعه. این حمایتها هنوز گسترده نیست ولی رو به افزایش است. باید به این موج دامن زد و گسترده ترش کرد. این شکل حمایت متقابل و این همراه شدن فرض کنید جنبش زنان و جنبش علیه اعدام و جنبش دادخواهی با جنبش کارگری و همبسته با اعتصابات کارگری میتواند عملی بشود. جنبش سرنگونی میتواند حول اعتصابات کارگری بار دیگر قد علم کند و قدرتمند تر از همیشه بمیدان بیاید. شرایط و زمینه این امر کاملا فراهم است. خیزش توده ای میتواند شکل بگیرد که ستون فقراتش اعتصابات کارگری است و ازینرو براحتی قابل عقب راندن و فروخواندن نخواهد بود. خیزشی که پیش کسوتش جنبش کارگری است، ستون فقراتش جنبش کارگری است و به یک معنا رهبرش جنبش کارگری است. در انقلاب ۵۷ جامعه شعار داد کارگر نفت ما رهبر سرسخت ما و امروز داریم به همان سو میرویم.

## نقش و جایگاه حزب

نکته آخری که لازمست با آن اشاره کنم نقش سازمانهای سیاسی و مشخصا حزب ما است. هیچیک از این

تحولات بدون آن فعالیتهای، بدون آن تلاشها و بدون آن رهنمودها و راه نشان دادن آنها و بدون آن فراخوانها، بدون آن تبلیغات و گفتن سازها و بدون آن فعالیت عملی میدانی که حزب ما چند دهه است به پیش میبرد اتفاق نمی افتاد. چشم اندازی که من تصویر کرد هم بدون چنین نیروئی ممکن نیست. تمام این پتانسیل ها و توانستن هائی که من تصویر کردم؛ اینکه جنبش توده ای میتواند همبسته با اعتصابات بمیدان بیاید و اعتصاب عمومی همپای تظاهرات توده ای شکل بگیرد و غیره یک شرط دارد؛ وجود و حضور فعال نیروی آگاهی که این بالقوه ها را به یک امر بالفعل تبدیل کند. بسیاری از اعتصابات سراسری کارگری را دیده ایم که حتی دولتهائی را هم جابجا کردند ولی بالاخره حاصلش به جیب بخش دیگری از همان طبقه حاکمه رفته است. در ایران این اتفاق نمی افتد چون نیگذازم بیفتد. چون حزبی در میدان هست که میخواهد چشم اندازی که اینجا ترسیم کردم را متحقق کند. چون حزبی در میدان هست که در در شکل ابعاد چندین میلیونی سر بلند کرده است و در شکل دهی به ویژگی هائی که امروز در جنبش کارگری می بینیم، از بمیدان آمدن چهره های علنی این جنبش تا دخیل شدن خانواده ها و کشیدن دامنه اعتصاب به سطح شهر و تا تشکل مجمع عمومی و گفتن ادله شورائی و غیره نقش فعالی داشته است.

ما از ۹۶ داریم مدام بر اهمیت و ضرورت اعتصاب عمومی و اعتصابات سراسری تاکید میکنیم، بحث میکنیم، سمینار و میزگرد میگذاریم، مقاله مینویسم، پلمیک میکنیم، از کانل جدید و از مدیای اجتماعی تبلیغ میکنیم، به گفتن اعتصاب دامن میزنیم، فعالیت عملی و میدانی میکنیم، و امروز شاهدیم که اعتصابات سراسری به شکل شورانگیزی دارد شکل میگیرد و گسترش پیدا میکند. این خط و جهت را باید ادامه داد و حزب باید با نیروئی چنین برابر بمیدان بیاید و حضور بهم برساند. هم در سطح میدانی - عملی و هم در سطح ماکرو و کلان اجتماعی و بخصوص در مدیای اجتماعی نقش فعالتری از همیشه ایفا کند. بخصوص باید فعالانه مدیای اجتماعی را به کار گرفت. تا همین جا در مبارزه علیه اعدام مدیای اجتماعی ابزار کارسازی بوده است. هشتگ اعتصابات سراسری امروز جزو ده ترند اول تویتر است. و کارگران نفت هم اعتصابات خود را با هشتگ دفاع از حقوق شروع کردند. سازماندهی کارگران در هفت تپه و نفت و همچنین مبارزات سراسری معلمان و

بازنشتگان عمدتا از طریق مدیای اجتماعی صورت میگیرد. جلب حمایت از جامعه هم اساسا به همین طریق ممکن میشود.

حزب باید با اتکا به مدیای اجتماعی، با اتکا به تبلیغات رسانه ای خود حزب از طریق کانال جدید و سایتهای حزبی و با اتکا به فعالیت میدانی و حضور و دخالت اعضا و کادرهای حزب، از کمیته سازمانده تا سازمان جوانان و کمیته کردستان و غیره و از طریق ارتباطات و حضور میدانی که فعالین حزبی دارند چشم انداز یک انقلاب زیر رو کننده را متحقق کند. چشم انداز یک خیزش عمومی با اتکا به اعتصابات سراسری کارگری و همبسته و همراه با جنبش کارگری.

این چشم انداز خیلی شورانگیزی است. ما در شکل گیری این شرایط نقش و سهم داشته ایم و باید تلاش کنیم که این شرایط را تا یک انقلاب زیر رو کننده علیه نه فقط جمهوری اسلامی بلکه علیه کل نظم سرمایه و علیه یک درصدهای مفتخور سرمایه دار به پیش ببریم. کارگران دارند نشانه های انقلابی با مضمون سوسیالیستی را بدست میدهند. شما اگر از این خواست هفت تپه که "مدیر را بفرستید ما نظارت و اداره میکنیم" مدیر را کنار بگذارید به حکومت شوراها میرسید. اداره شورائی یعنی حکومت شورائی. و نه فقط در اقتصاد بلکه در همه جامعه، خواست اداره شورائی میتواند علیه اعدام هم این پرچم را بلند کند.

میتواند جنبش دانشجویی هم این را بخواهد. میتواند جنبش رهایی زن هم خواستار اداره شورائی بشود. نشانه های ای تحول را در دور اول اعتصاب هفت تپه در دوسال قبل دیدیم. این بار باید روی آوری به شوراها را عمومی تر کنیم. در انقلاب ۵۷ بعد از سرنگونی شاه شوراها همه جا شکل گرفت و این بار از همین ابتدا میتوان و باید به این سمت حرکت کرد. جنبش کارگری دارد بطرف اداره شورائی خیز برمیدارد. حتی آنجائی که این کلمه را بکار نمیبرد مضمون خواستهایش همین است. و این منطق است با برنامه یک دنیای بهتر برای برپائی حکومت شورائی به این معنا که کارگران و توده مردم خودشان امور را در دست بگیرند و مشخصا کارخانه ها و مراکز تولیدی در کنترل شوراها باشند. شعارها و نشانه های این جهت گیری را داریم می بینیم. حزب باید برای مبنا تمام نیرو و امکانات خودش را بکار بگیرد تا واقعا آن انقلابی که میتواند ضامن رهایی و آزادی و برابری و رفاه همه مردم در ایران هست شکل بگیرد و به پیروزی برسد.

۱۷ اوت ۲۰۲۰

## ۲۸ مرداد ۵۸ فرمان حمله خمینی به کردستان برای کوبیدن انقلاب

### عبدل گلپریان

مرداد ماه هر سال یادآور فرمان افسارگسیخته خمینی و شبکه آدمکش آن زمان تازه تاسیس سپاه پاسداران به همراه ارتش دست نخورده شاهنشاهی به کردستان و در نهایت کوبیدن و حمله به دستاوردهای قیام و انقلاب مردم ایران است. تعرض به قیام و انقلاب، در واقع گرفتن انتقام ارتجاع اسلامی خمینی از مردم ایران بود که برای پایان دادن به رژیم سلطنت و پادشاهی پهلوی به آن دست زده بودند. اما داستان از کجا آغاز شد؟

در طول چهار ماه اول سال ۵۸ تقریباً سراسر شهرهای کردستان در یک رویاری نظامی سیاسی و اعتراضی در مقابل حاکمان جدید قرار گرفته بود. به ویژه سنندج، مهاباد، مریوان، نقده، کامیاران، دیواندره و پاوه جبهه های اولیه شروع نبرد بین قیام کنندگان سال ۵۷ با ضد انقلاب اسلامی بقدرت رسیده و ارتجاع محلی بود. در شهرهای بزرگ ایران بویژه در تهران نیز، فضای نسبتاً باز سیاسی برآمده از قیام مردم، در اشکال مختلف همچنان ماهیت سیستم تازه بقدرت رسیده را پچالش می طلبید.

کردستان هنوز زیر سایه شوم و سیاه شبکه اسلامی قرار نگرفته بود و بعنوان قلب تپنده انقلاب زنده و استوار در همبستگی با مردم سراسر کشور در مقابل داوردهای سرهم بندی شده و پس مانده های حکومت پهلوی و احزاب و مهره های ارتجاع اسلامی ایستاده بود و مردم کردستان انقلاب را تماماً میدانستند.

ایجاد فضای جنگ و درگیری نظامی از سوی جریان اسلامی تازه بقدرت رسیده خمینی با اتکا به ارتش دست نخورده شاهنشاهی و سپاه پاسداران در مناطق کردستان علیه مردم مسلح قیام کننده و سازمانهای سیاسی مسلح، بهانه ای بود که خمینی بر بستر آن هجوم وحشیانه ای به کردستان را براه اندازد تا از این طریق شور و التهاب ادامه انقلاب را پایان دهد.

در همین راستا بود که با تحریک عوامل محلی و حمایت سپاه و ارتش، روز ۲۶ مرداد ماه سال ۵۸ جنگ سختی در پاوه بین مردم مسلح و سازمانهای سیاسی از یکسو و نیروهای سرکوب رژیم از سوی دیگر در میگیرد. رژیم اسلامی چمران را مأمور پایان دادن به "غانله" پاوه میکند. شهر در دست مردم و نیروهای سیاسی مسلح بود. قوای حکومت برای تصرف شهر از راه زمین قادر به این کار نمیشود. نیروهایشان در داخل شهر پاوه متحمل

تلفات زیادی میشوند. از راه هوایی نیز هلیکوپترها در تیررس نیروهای مسلح سازمانهای سیاسی و مردم قرار میگیرند و دچار شکست سختی میشوند. شکست نیروهای رژیم در پاوه سبب میشود که خمینی راساً بعنوان فرمانده کل قوا و با همیاری دولت موقت به تمام نیروهای مسلح ارتش و سپاه، فرمان حمله به پاوه را صادر کند. فرمان خمینی برای حمله به پاوه پیش درآمد حمله ای سراسری تر به تمام کردستان و نهایتاً زدن و کوبیدن انقلاب و زهر چشم گرفتن از شوراهای کارگری تاسیس شده در بسیاری از مراکز کارگری کشور بود. خمینی در پیامی که برای آن مهلتی ۲۴ ساعته تعیین کرده بود از تمامی نیروهای مسلح درخواست کرد که در این مدت زمان وارد عمل شده و پاوه را از دست به گفته او "اشرار" آزاد کنند. خمینی و دولت موقت او که مدعی مذاکره برای حل مسایل کردستان بودند به یکباره طرفهای مذاکره کننده یعنی نمایندگان مردم کردستان، سازمانهای سیاسی و کلاً مردم قیام کننده علیه رژیم پهلوی را اشرار و سران اشرار لقب داد.

پیام خمینی به روسای ستاد ارتش، ژاندار مری و سپاه پاسداران چنین بود: "بسم الله الرحمن الرحیم به رئیس کل ستاد ارتش و رئیس کل ژاندارمری اسلامی و رئیس پاسداران اکیدا دستور میدهم که به نیروهای اعزامی به منطقه کردستان دستور دهند که اشرار و مهاجمین را که در حال فرار هستند تعقیب نمایند و آنان را دستگیر نموده و با فوریت به محاکم صالحه تسلیم و تمام مرزهای منطقه را سریعتر ببندید که اشرار به خارج نگریزند و اکیدا دستور می دهم که سران اشرار را با کمال قدرت دستگیر نموده و تسلیم نمایند. اهمال در این امر تخلف از وظیفه و مورد مواخذه شدید خواهد شد.

مرداد ۱۳۵۸ روح اله الموسوی الخمینی"

خمینی مکرراً اطلاعاتیه صادر میکرد و مرتب این اطلاعاتیه ها که مضمون و محتوای آن حمله همه جانبه به کردستان بود، از رادیو تهران خوانده میشد. در محکومیت فرمان این حمله از سوی سازمانهای سیاسی، نهادها و انجمنهای مختلف متقابلاً اطلاعاتیه هایی علیه فرمان خونین خمینی منتشر میشد.

از سوی دیگر جریان مکتب قرآن احمد مفتی زاده (شاخه سنی) مدافع خمینی که تا قبل از حمله به کردستان از سوی مردم و نیروهای سیاسی به انزوا

کشیده شده بود، بر بستر شروع جنگ و حمله نیروهای سپاه و ارتش کم کم جان تازه ای بخود گرفت. مفتی زاده سرکرده جریان مکتب قرآن با صدور اطلاعاتیه از خمینی حمایت کرد و نیروهای تحت فرمانش دوشا دوش سپاه پاسداران رژیم و دیگر مزدوران محلی به تعقیب و شناسایی انقلابیون و مبارزین میپرداختند و در عملیات شناسایی و دستگیری جوانان شرکت فعالی از خود بنمایش میگذاشتند. نیروهای مفتی زاده از این مقطع به بعد است که با سر و صورت پوشیده در کنار نیروهای رژیم، حتی در اعدام جوانان شرکت میکنند. فرماندهان رژیم و مزدوران محلی آنان کشتار مبارزین و انقلابیون را شروع میکنند. خانه گردی و دستگیری کسانی که سالها علیه حکومت پهلوی مبارزه کرده بودند آغاز میشود.

خلخال جلاذ حکومت خمینی که همراه با ارتش و سپاه برای کشتار انقلابیون به کردستان روانه شده بود، در بامداد روز ۲۸ مرداد سال ۵۸ برای ایجاد فضای رعب و وحشت، در مرحله اول در شهر پاوه دستور اعدام ۱۲ نفر را در یک دادگاه فرمایشی چند دقیقه ای صادر و سریعاً به اجرا در می آورد.

در مرحله دوم در روز ۲۹ مرداد ۵۸ خلخال قاتل جوانان مردم، هفت نفر دیگر را به پای جوخه اعدام میفرستد. بدین ترتیب موج اعدامها از پاوه شروع میشود و به مریوان، سنندج، سقز و مهاباد میرسد.

روز سوم شهریور ۵۸ در مریوان حکم اعدام ۹ نفر از دستگیر شدگان در یک دادگاه فرمایشی توسط خلخال صادر و بلافاصله اعدام می شوند. یک هفته از یورش سپاهیان اسلام به کردستان گذشته بود که همچنان در اعتراض به تیراندازی و حضور پاسداران تظاهراتی در سنندج و در اعتراض به کشته شدن یکی از جوانان شهر توسط پاسداران برگزار میشود. چند نفر در این تظاهرات دستگیر میشوند که تعدادی از آنها را آزاد می کنند و ۱۱ نفر از جوانان شهر سنندج را که بطرق مختلف و در مکانهای مجزا دستگیر کرده بودند روانه فرودگاه سنندج میکنند. خلخال در روز ۵ شهریورماه ۵۸ و در دادگاههای ۵ دقیقه ای آنها را به اعدام محکوم و حکم اجرا میشود. انتشار عکس اعدام این ۱۱ انسان شریف و محبوب مردم سنندج در روزنامه های داخل و خارج کشور مردم را بهت زده و شوکه میکند. این عمل وحشیانه موجی از تنفر علیه قاتلان را دامن میزند.

در سقز مقاومت مردم و نیروهای سیاسی در مقابل لشکریان و سپاهیان

خمینی ادامه پیدا میکند تا اینکه جلاذ خمینی از سنندج عازم سقز میشود و در آنجا نیز جنایت دیگری خلق میکند و ۱۰ نفر از جوانان شهر و ۱۰ نفر از نظامیانی که در محل خدمت نبودند (مجموعاً ۲۰ نفر) را یک روز و بعد از اعدامهای سنندج یعنی در روز ششم شهریور ۵۸ که در میان آنان کودکی ۱۲ ساله هم وجود داشت تیرباران میکنند.

بعد از پاوه، مریوان، سنندج و سقز، تدارک حمله ارتش و سپاه متوجه مهاباد میشود. دوش به دوش پیشروی مزدوران ارتش و سپاه، خلخال نیز با راه اندازی دادگاههای چند دقیقه ای حکم اعدام علیه دستگیر شدگان را صادر میکند. همزمان با این لشکر کشی و اعدام جوانان توسط دادگاههای ۵ دقیقه ای خلخال، تظاهرات در شهرهای کردستان و در محکومیت این یورش وحشیانه ادامه پیدا میکند.

از سوی دیگر مقاومت و وارد کردن ضربات کاری بر ستونهای نظامی در مناطقی از کردستان توسط نیروهای مسلح سازمانهای سیاسی و برای مقابله با پیشرویهای ارتش و سپاه صورت میگیرد. یکی از این ستونها در محور جاده بانه با دادن تلفات زیادی فلج می شود. در روز نهم شهریور ۵۸ فواد مصطفی سلطانی از بنیانگذاران کومه له و رهبر اتحادیه دهقانان مریوان همراه چند تن از همزمانش در مسیر جاده مریوان سقز با واحدی مجهز از نیروهای رژیم به فرماندهی چمران روبرو میشوند که در یک جنگ نابرابر او و یکی از همزمانش جان میبازند.

رادیو و روزنامه های رژیم با خوشحالی تمام این خبر را منتشر میکنند. اندوه عمیقی در میان مردم و نیروهای مسلح سازمان کومه له بنسبیت این واقعه پدیدار میشود. اما اعتراض و مبارزه مردم و مقاومت مسلحانه در مقابل نیروهای رژیم کماکان ادامه پیدا میکند.

روز دهم شهریور نیروهای ارتش و سپاه با همکاری مزدوران محلی بعد از زد و خوردی بر شهر بوکان مسلط میشوند. همان روز در شمال کردستان در منطقه سلماس جنگی بین مردم و



نیروهای مسلح سازمانهای سیاسی با نیروهای نظامی رژیم که با فائشوم و هلیکوپتر پشتیبانی میشدند در میگیرد. در سلماس حکومت نظامی اعلام میشود. شهر پیرانشهر نیز توسط ارتش تسخیر و اشغال میگردد.

در ۱۱ شهریور فاجعه قارنا روی میدهد. ملاحسنی یکی از مرتجعین محلی همراه تعداد زیادی از پاسداران و با استفاده از دو دستگاه تانک جهت ایجاد رعب و وحشت به روستای قارنا در محور نقده به پیرانشهر یورش میبرند. روستای قارنا که بویژه از تمام جنگ و درگیریها بود توسط این ستون اشغال میشود و پاسداران رژیم همه مردم روستا از کوچک و بزرگ را به رگبار میبندند که در نتیجه این تهاجم ضد بشری ۶۸ نفر کودک پیر و جوان را قتل عام میکنند. روزنامه های تحت کنترل داوردهای خمینی و دولت موقت برای سرپوش گذاشتن بر قتل عام روستای قارنا، خبر آنرا بعد از بیست روز منتشر میکنند.

همزمان با این وقایع بنی صدر که آن هنگام عضو شورای انقلاب بود در محل کانون فرهنگیان در اجتماع هزاران نفر از مردم ارومیه به سخنرانی در رابطه با کردستان میپردازد. بنی صدر در این سخنرانی مدعی بود که نیروهای سیاسی بهانه میگیرند و ماهیاست آنها ما را سر میبلانند. او در این سخنرانی تلاش میکند که وقایع را وارونه جلوه دهد. به خط و نشان کشیدن متوسل میشود.

بنی صدر در انتهای سخنانش میگوید: "اگر کسی پیام صلح ما را نپذیرد پیام ما شمشیر و جنگ است". پیام صلح بنی صدر چیزی جز تحمیل ماهیاست جنگ به مردم کردستان و اعدامهای دسته جمعی نبود. پیام صلح بنی صدر فاجعه قارنا بود که ۶۸ زن و کودک و پیر و جوان را به رگبار بستند. پیام صلح بنی صدر و رهبرش خمینی خلق کردن فاجعه ای بتمام معنا در سرتاسر کردستان بود. او با این جمله که پاسخ ما شمشیر و جنگ است، در رکاب خمینی و خلخالی در جنگ و کشتاری که به مردم کردستان تحمیل گردید شریک بود.

## از صفحه ۶ ۲۸ مرداد ۵۸ فرمان حمله...

## به صندوق همبستگی با اعتصابات کارگری در ایران کمک کنید!

حتی توان تامین شیرخشک نوزادانشان را هم ندارند. و یا در آستانه سال تحصیلی جدید هزینه ثبت نام کودکان و تهیه نوشت افزار برای آنان به معضلی تبدیل شده است.

در چنین شرایطی فری دم ناو صندوقی را جهت حمایت و همبستگی مالی با کارگران اعتصابی در ایران باز میکند. فری دم ناو از همه سازمانها و نهادهای کارگری و بشردوست و از تمامی انسانیهای آزادیخواه و مدافع حقوق کارگر انتظار دارد که با کمک مالی به این صندوق همبستگی خود را با کارگران اعتصابی در ایران اعلام کنند. مشخصات صندوق کمک به کارگران اعتصابی در ایران به قرار زیر است:

Bank Name: Coast Capital Saving  
Account Capital Saving  
Account Number: 110008527475  
Email: [freetemnowcanada@gmail.com](mailto:freetemnowcanada@gmail.com)  
Telephone: 604-727-8986  
Receipt will be Provided for tax Purposes upon request

## از صفحه ۲ زمینه های اجتماعی ایجاد صندوق همبستگی ...

و کمک به کارگران اعتصابی فعالیتی اجتماعی است. در محلات و در میان کسبه و در مراکز تولیدی و کارگری ایجاد و توسط شبکه های بهم وصل شده در میدیای اجتماعی نتایج فعالیت و مبالغ جمع آوری شده در صندوق مرکزی هر شهر و روستایی، گزارش میشود. و با توجه به ارتباطات طبیعی و تماس با مراکز کارگری در حال اعتصاب کمک های مالی جمع آوری شده در اختیار نمایندگان کارگران اعتصابی قرار خواهد گرفت.

شرایط سیاسی امروز وارد فاز کاملاً نوینی شده است. ایجاد صندوق همبستگی مالی و کمک به کارگران اعتصابی در این شرایط یک اقدام توده ای مهم در جهت تعمیق مبارزه و همبستگی مردم با کارگران و خانواده هایشان است. دست بکار شویم!

پیش بسوی ایجاد صندوق همبستگی مالی و کمک به کارگران اعتصابی

۲۸ مرداد ۱۳۹۹

۱۸ اوت ۲۰۲۰

هفت تپه در اعتصابات. این درحالیست که بخش های دیگر کارگری همچون کارگران راه آهن، شهرداری، دامنه اعتصاباتشان گسترده تر شده است و زمزمه های به راه افتادن اعتصابات سراسری در میان رانندگان کامیون و پرستاران نیز شنیده میشود.

یک مانع پیش روی کارگران برای ادامه اعتراضاتشان و گرفتن حق و حقوقشان معضل اقتصادی است. از جمله در جایی چون نیشکر هفت تپه نپرداختن سه ماه حقوق و گرانی روزافزون قیمت ها آنها بدنبال بیش از دو ماه اعتصاب، فشار اقتصادی سنگینی بر آنها وارد کرده است. بطوریکه برخی از خانواده های کارگری در چنان وضعیت وخیمی گیر کرده اند که

صندوق های همبستگی مالی توسط فعالین زن و مرد در محلات و در مراکز کارگری ایجاد میشوند. در جریان چند رویداد ناگوار سیل و زلزله همبستگی و جمع آوری کمک های مالی توده ای با موفقیت های زیادی تجربه شده است. کمک رسانی به مردم در جریان زمین لرزه سال ۱۳۹۶ در مناطق کرمانشاه و تویسرکان و ازگله در ابعاد گسترده تجربه ای بسیار موفق و نمونه ای از همبستگی و اتحاد مردم بود. با توجه به این نمونه های برجسته و تجارب موفق باید بگوییم که در کردستان زمینه های اجتماعی ایجاد صندوق های همبستگی مالی و کمک به کارگران اعتصابی فراهم است. مهم این است تعداد معینی از فعالین کارگری، زنان و فعالین اجتماعی شبکه ارتباطات عادی از کانال میدیای اجتماعی را فراهم و گفتمان ایجاد صندوق همبستگی مالی و کمک به کارگران اعتصابی را فراهم و ملزومات ایجاد صندوقها بشکل علنی را به اجرا در آورند.

ایجاد صندوق همبستگی مالی

موجی از اعتراضات کارگری در ایران به راه افتاده است که ابعادش سراسری است. از جمله کارگران پیمانکاری نفت از در اعتراض به قراردادهای موقت کاری، دیگرکرد پرداخت حقوق ها و سطح نازل آن و پایین آمدن هر روز بیشتر قدرت خریدشان از یازدهم مرداد وارد اعتصاب شده اند. همچنین بیش از دو ماه است که پنج هزار کارگر نیشکر هفت تپه در اعتصاب بسر میبرند و اعتراض آنها به تعویق پرداخت دستمزدها، عدم تمدید دفتر چه بیمه، دزدی ها و چپاولگری های مالکین بخش خصوصی و به خطر افتادن شغل و معیشتشان است. در عین حال این کارگران خواستار بازگشت به کار همکاران اخراجی خود از جمله اسماعیل بخشی و سه همکار دیگرشان هستند. در کنار اینها کارگران هپکو از سیزدهم مرداد با خواستهای مشابه کارگران نیشکر

تلاشی است برای کمک به کارگران اعتصابی، کاهش فشار اقتصادی به کارگران و به لحاظ سیاسی و اجتماعی فراهم کردن زمینه های همکاری، حمایت و همبستگی مبارزاتی در سطح ماکرو در فضای سیاسی و مبارزاتی کنونی است.

در کردستان ایجاد صندوق همبستگی مالی و کمک به کارگران، سنت شناخته شده ای است. در چهار دهه گذشته تا کنون صندوق های مالی و همبستگی مردم و جامعه بشیوه های مختلف تجربه شده است. در دوره ای که امکان برگزاری مراسم های اول ماه مه روز کارگر و روز جهانی زن و برگزاری فستیوالهای کودکان در سالهای ۱۳۶۲ بعد فراهم شده بود، ایجاد صندوق های همبستگی مالی در جهت کمک به کارگران و زنان اخراجی و محروم از کار ایجاد شدند. صندوقها امکانی بودند که کارگران به یاری آنها هم شرایط سخت معیشتی شان را تخفیف دهند و در عین حال ابزاری بود که تا حدودی نیاز آنها را به متحد و متشکل بودن جواب دهد. نهاد

سازمانهای سیاسی، رژیم تحت فشار و در منگنه قرار گرفت.

ارتش و سپاه پاسداران اسلامی تنها برای سه ماه آنها بطور نسبی و دو فاکتو توانستند شهرها را به تصرف خود در آورند. با حضور مجدد نیروهای مسلح سازمانهای سیاسی به داخل شهرها، خلع سلاح پاسگاهها و مراکز کنترل و بازرسی، بار دیگر فرستادن هیئت های مذاکره کننده از سوی دولت موقت از سر گرفته شد. ادامه این وضع و تصرف مجدد شهرها از سوی سازمانهای سیاسی و با حمایت گسترده مردم، از آبان ۵۸ تا جنگ ۲۴ روزه سنجند مجدداً شروع میشود و رژیم ناچار به عقب نشینی از شهرها میگردد. تا جنگ ۲۴ روزه سنجند در بهار سال ۵۹ یعنی بمدت ۵ ماه، رژیم اسلامی عملاً هیچ گونه قدرتی در شهرهای کردستان نداشت.

اکنون بعد از گذشت چهار دهه از جنایاتی که حکومت اسلامی علیه مردم کردستان و علیه انقلاب مردم در سراسر کشور انجام داد، مردم کردستان در اشکال مختلف همچنان در مقابل این رژیم ایستادند. چندین دور اعتصاب عمومی در اعتراض به احکام اعدامها، مبارزات هر روزه جمع ها و نهادهای اجتماعی، اعتراضات کارگری، فعالیت تشکلهای زنان، تشکلهای کودکان و انجمنهای زیست محیطی، همه و همه به ستونهای رژیم تازه بقدرت رسیده اسلامی برای تحکیم پایه های قدرت خود، کردستان را که به مرکز ادامه انقلاب ایران تبدیل شده بود به خاک و خون کشید.

کارگران و همه مردم ایران امروز در ابعادی سازمانیافته تر و با دید روشنتری در کنار مردم قیام کنندگان لبنان، عراق و سوریه، برای پایان دادن به چهل سال جهل و جنایت وسیعاً به میدان آمده اند. حکومت اسلامی و دیگر دستجات دست ساز آن در کشورهای منطقه، مورد تعرض خشم انقلابی مردمی قرار گرفته اند، که به کمتر از کنار زدن این داروخته ها و ایجاد یک زندگی و آینده ای بهتر رضایت نخواهند داد.

۲۳ مرداد ۹۹

۱۲ شهریور ۵۸ با روشن شدن هوا و با استفاده از نیروهای هوایی و زمینی و کویدین چهار طرف شهر، نیروهای اعزامی به کردستان شهر مهاباد را نیز تسخیر میکنند. در روز ۱۳ شهریور ۵۸ بعد از یک درگیری خونین در گردنه خان بین نیروهای مسلح سازمانهای سیاسی و واحدهای اعزامی لشکر ۲۸ کردستان، ارتش و سپاه شهر بانه را تصرف میکنند. روز ۱۵ شهریور نیز تکاوران نیروی دریایی و هوایی شیراز همراه با ستونهای نظامی ارتش و سپاه لشکر سنجند، شهر سردشت را که خالی از سکنه بود با مقاومتی اندک تصرف میکنند. در همان روز ۱۳ شهریور ۵۸ چهار نفر به اتهام شرکت در جنگ مسلحانه در پادگان شهر سقز به حکم خلعای اعدام میشوند.

بدین ترتیب تهاجم وسیع و گسترده ارتش و سپاه پاسداران به شهرهای کردستان که با صدور فرمان خمینی در ۲۸ مرداد ۵۸ روی داد از آن دست از جنایات علیه بشریت بود که سراسر کردستان را به خاک و خون کشید. در پی این یورش وحشیانه و ضد انسانی، اکثر شهرهای کردستان به تصرف ارتش و سپاهیان رژیم در آمد.

حاصل این تهاجم، کشته شدن تعداد زیادی از مردم شهر و روستاهای کردستان، ویران نمودن خانه و کاشانه مردم و اعدام دهها جوان در دادگاههای ۵ دقیقه ای خلغالی بود. بدین ترتیب رژیم تازه بقدرت رسیده اسلامی برای تحکیم پایه های قدرت خود، کردستان را که به مرکز ادامه انقلاب ایران تبدیل شده بود به خاک و خون کشید.

## عقب راندن نیروهای حکومت

علیرغم تمام این جنایت و به تصرف در آوردن شهرها، اعتراض مردم شهرهای کردستان با خشم و تنفیری چندین برابر از قبل به حضور نیروهای ارتش و سپاهیان رژیم، جسته و گریخته علیه حضور آنان ادامه پیدا میکرد. همزمان با اعتراضات عمومی مردم که بتناوب در شهرهای مختلف روی میداد، نیروها و سازمانهای مسلح که به خارج از شهرها عقب نشینی کرده بودند، به عملیات نظامی خود علیه سرکوبگران، به پاسگاهها و پادگانها و نیروهای در حال نقل و انتقال ادامه داشت و به آنان شبیخون میزدند.

تصرف شهرهای کردستان توسط سپاهیان و ارتش دست نخورده رژیم شاه که گوش بفرمان خمینی جنایتکار بودند سه ماه بیشتر دوام نیاورد و در اثر ادامه اعتراضات سیاسی اجتماعی در داخل شهرها توسط مردم و همچنین عملیات نظامی نیروهای مسلح

## فروش هر نوع تجهیزات نظامی به جمهوری اسلامی باید ممنوع شود

تحریم تسلیحاتی جمهوری اسلامی در دستور کار شورای امنیت سازمان ملل قرار دارد. نباید اجازه داد تحت هیچ شرایطی و با دخالت و حق وتوی دو کشور حامی جمهوری اسلامی یعنی چین و روسیه زمینه برای لغو تحریم تسلیحاتی علیه این حکومت هموار گردد. فروش اسلحه به جمهوری اسلامی و به همه دولت‌ها و نیروهای ارتجاعی و اسلامی در منطقه باید ممنوع شود. روابط و مناسبات دیپلماتیک نیز باید با حکومت جنایتکار اسلامی قطع بشود.

ن باید به دولت‌ها و از جمله دولت آمریکا اجازه داد وارد کش و قوس بازی دیپلماسی با جمهوری اسلامی بشوند. دولت آمریکا خواهان پذیرفتن قواعد مورد نظرش توسط رژیم اسلامی در منطقه است. طوری که منافع این دولت در منطقه تامین شود. همانطور که بارها ترامپ گفته است دولت آمریکا با تامین این قواعد با جمهوری اسلامی کنار خواهد آمد و چشم بر همه جنایات داخلی این رژیم خواهد بست. جمهوری اسلامی بخاطر همه جنایاتی که در ایران مرتکب می شود و همچنین به خطر انداختن زندگی میلیون‌ها نفر در منطقه باید مورد شدیدترین تحریم‌های تسلیحاتی و دیپلماتیک و سیاسی قرار گیرد. خواست مردم ایران بستن سفارتخانه‌های این تروریست‌های حرفه‌ای است. فشار ما مردم ایران و همه ایرانیان خارج از ایران می‌تواند عاملی بر ادامه تحریم تسلیحاتی و اعمال تحریمهای سیاسی - دیپلماتیک باشد. این تحریمها سرنگونی حکومت اسلامی بقدرت انقلاب مردم را تسهیل خواهد کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۴ مرداد ۱۳۹۹

۱۴ اوت ۲۰۲۰

تحریم تسلیحاتی شورای امنیت سازمان ملل که از سال ۱۳۸۶ علیه جمهوری اسلامی اعمال شده است، ۲۷ مهرماه پس از ۱۳ سال به پایان می‌رسد. این تحریم در "عرضه، فروش و یا انتقال مستقیم یا غیرمستقیم هرگونه تانک جنگی، خودروهای رزمی زرهی، سامانه‌های توپخانه‌ای سنگین، هواپیماهای رزمی، بالگردهای تهاجمی، ناوهای جنگی، موشک‌ها و یا سامانه‌های موشکی" است. جمهوری اسلامی یک حکومت تروریستی و آدمکش حرفه‌ای است. این حکومت نه تنها در ایران دست به وسیع‌ترین قتل و آدمکشی زده است و هر روز جنایتی بر جنایات بی شمارش می‌افزاید، که با حمایت از تروریستهای اسلامی در منطقه و سازماندهی آنها زندگی و امنیت جانی میلیون‌ها نفر را در خاورمیانه به خطر انداخته و باعث قتل و کشتار بی شمار شده است. نیروهای نظامی مورد حمایت جمهوری اسلامی هر روز در عراق و سوریه و لبنان و یمن جنایت می‌آفرینند و تحریم همه جانبه تسلیحاتی جمهوری اسلامی تنها یک خواست از میان دیگر خواسته‌ها برای مهار این حکومت آدمکش است.

جمهوری اسلامی با دریافت انواع تکنولوژی سرکوب‌نه تنها در خارج ایران که در داخل نیز زندگی مردم ایران را به یک جهنم واقعی تبدیل کرده است. جمهوری اسلامی بدون تجهیزات سرکوب که عموماً از خارج از ایران دریافت می‌کند نمی‌توانست در برابر خیزش‌های متعدد سرنگونی طلبانه مردم دوام بیاورد. فروش تسلیحات نظامی و ابزارآلات سرکوب توسط دولت‌های خارجی هم‌دستی در جنایتی است که این رژیم در ایران مرتکب میشود. رای گیری برای ادامه یا لغو

استان سیستان و بلوچستان انجام داده است.

### لیلا میر غفاری و شرایط نامساعد زندان‌ها در روزگار شیوع کرونا

فعال سیاسی زندانی که اجباراً به بیمارستان روانپزشکی امین‌آباد منتقل شده بود پس از یک هفته و بدون رعایت قرنطینه به زندان بازگردانده شد. لیلا میرغفاری، از دختران خیابان انقلاب و فعال سیاسی روز ۱۵ مرداد به صورت اجباری از زندان قرچک و رامین به بیمارستان روانپزشکی امین‌آباد منتقل شد، پس از یک هفته به زندان بازگردانده شد. این زندانی سیاسی که بنا به گزارشات رسیده به دلیل مصرف دارو در دوره حضور در بیمارستان امین‌آباد دچار لرزش شدید دست شده و پس از بازگشت به زندان بدون رعایت دوره قرنطینه در دوران شیوع کرونا مستقیماً به بند ۵ زندان قرچک منتقل شد.

وضعیت بد زندان‌ها در زمینه کنترل و پیشگیری از شیوع کرونا در بین زندانیانی که از دغدغه‌های جامعه و فعالان حقوق زندانیان است اما حکومت تنها به بخشی از زندانیان مرخصی داده و زندانیان سیاسی بخش فراموش شده، زندانیانی هستند که تعدا همچنان در زندان‌ها و در شرایط غیر بهداشتی نگهداری می‌شوند.

### ۵۰ مورد خودکشی در کردستان در بهار ۱۳۹۹

یک گزارش آماری به موارد خودکشی در کردستان ایران در سه ماهه اول سال ۱۳۹۹ پرداخته است. این گزارش تنها به مواردی می‌پردازد که در این مدت از سوی منابع رسمی و غیر رسمی رسانه‌ای شده‌اند و آمار واقعی بسیار بیشتر از این می‌تواند باشد.

در بهار ۱۳۹۹ مجموعاً ۵۰ مورد خودکشی در کردستان ایران اتفاق افتاده است.

خودکشی زنان: ۲۸ مورد  
خودکشی مردان: ۲۲ مورد  
تفکیک آمار خودکشی زنان:  
در این مدت ۲۸ زن خودکشی کرده‌اند.

۷ نفر از این زنان زیر ۱۸ سال سن داشته‌اند ( ۱ نفر ۱۲ ساله، ۱ نفر ۱۴ ساله، ۳ نفر ۱۶ ساله، ۲ نفر ۱۷ ساله) ۱۲ تن از این زنان متأهل، ۱۰ تن مجرد و ۲ زن دیگر دارای نامزد بوده است. ۳ تن از آنان دانش‌آموز بوده‌اند \*\*\*



## اخبار و گزارشات هفتگی از وضعیت زنان

تهیه و تنظیم: عزیزه نطفی



### انقلاب در عراق در راه است، زنان در صف مقدم آن!



روز یکشنبه ۲۶ مرداد، در شهرهای بسیار زیادی در عراق اعتراضات سراسری از سر گرفته شد. این اعتراضات در ادامه اعتراضات زمستان گذشته و قبل از پاندمی کرونا بود. اعتراضاتی علیه فقر و فلاکت و دولت عراق، و علیه حضور نیروهای جمهوری اسلامی در این کشور.

روز یکشنبه در میدان التحرير بغداد، زنان در صف مقدم علیه ستم بر زن و بی حقوقی‌های گسترده و علیه زن ستیزی‌های سازماندهی شده بودند. در شهرهای دیگر همچون بصره، نیروهای سرکوبگر با جوانان معترض درگیر شدند.

سرنوشت مردم ایران و دیگر کشورهای خاورمیانه مشترک است. انقلاب برای سرنگونی همه دولتهای حاکم و اسلام سیاسی در راه است.

### احضار چهار تن از فعالین ندای زنان به دادسرا

در تاریخ ۱۹ خرداد ۹۹ چهارتن از فعالین ندای زنان ایران برای اجرای حکم زندان به دادسرای مقدسی اوین احضار شدند! [اگر](#) نصیریان ناهید شقاقی مریم محمدی اسرین در کالاه.

### سپیده قلیان از اتهام انتسابی تبرئه شد.

سپیده قلیان، فعال سیاسی توسط دادگاه کیفری دزفول از اتهام مطروحه در پرونده‌ای که پیشتر در رابطه با حضور وی در اعتراضات آبان ۹۸ در دزفول برای او گشوده شده بود، تبرئه شد. قلیان هم‌اکنون دوران محکومیت ۵ ساله خود را در زندان اوین سپری می‌کند.

بر اساس این حکم که توسط دادگاه کیفری دزفول صادر و به جمال الدین حیدری منش، وکیل مدافع وی ابلاغ شده است. قلیان از بابت اتهام "اخلال در نظم عمومی بصورت غیر گسترده" تبرئه شده است.

دادگاه رسیدگی به اتهامات قلیان پیشتر در تاریخ ۱۶ تیر ۹۹ در شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری ۲ دزفول به

جانشینی شعبه ۱۰۷ و با حضور جمال الدین حیدری، وکیل مدافع وی برگزار شد.

### آزادی مهرآه خندان دختر نسرین ستوده پس از تفهیم اتهام با تودیع قرار کفالت

ساعت ۳ عصر روز دوشنبه ۲۷ مرداد ماه ۱۳۹۹، مهرآه خندان پس از بازداشت توسط ۵ تن از مأموران اطلاعاتی و انتقال به شعبه بازپرسی دادسرای اطلاعات و تفهیم اتهام توهین به مأموران در حین انجام وظیفه با تودیع قرار کفالتی به مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان تا اتمام مراحل دادرسی از بازداشت آزاد شد.

رضا خندان گفت: "صبح ۵ تن از مأموران اطلاعاتی در حالی که مشخص بود با برنامه ریزی قبلی و انگار برای بازداشت یک متهم با جرائم بسیار سنگین آمدند پس از به صدا درآوردن زنگ خانه و ادعای اینکه خواستار صحبت با مدیر ساختمان هستند وارد مجتمع مسکونی شده و پس از مراجعه به واحد محل سکونت مهرآه را به ادعای اینکه با مأموران اطلاعاتی در حین انجام وظیفه درگیر شده بازداشت و به شعبه بازپرسی دادسرای اطلاعات منتقل کردند و پس از تفهیم اتهام "توهین به مأموران در حین انجام وظیفه" توسط بازپرس فدائی، با تودیع قرار کفالتی به مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان بطور موقت و تا اتمام مراحل دادرسی از بازداشت آزاد شد."

### احضار توران حمل زهی فعال سیاسی به اداره اطلاعات سپاه

روز دوشنبه ۲۷ مرداد ماه ۱۳۹۹ اداره اطلاعات سپاه در شهرستان زاهدان مرکز استان سیستان و بلوچستان، توران حمل زهی فعال سیاسی ساکن ایرانشهر را به صورت تلفنی احضار کرد.

وی باید روز سه شنبه ۲۸ مرداد ماه ۱۳۹۹ خود را به این ارگان اطلاعاتی در شهرستان زاهدان معرفی کند.

از دلایل این احضار و نوع اتهامات این فعال مدنی تا لحظه تنظیم این گزارش اطلاعی در دسترس نیست.

توران حمل زهی از فعالان سیاسی ساکن ایرانشهر است که در امور خیریه فعال است و تاکنون کمک‌های بسیاری به اقشار مختلف جامعه در

## اطلاعیه های حزب



## اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه در پنجاه و نهمین روز

روز ۲۲ مرداد اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه وارد روز ۵۹ شد. در حالی که خبرگزاری حکومتی ایلنا از قول کارگران شرط پایان اعتصاب را دریافت دو ماه حقوق اعلام کرده است، در این روز کارگران ضمن تکذیب این خبر بر ادامه اعتصاب تا رسیدن به تمام خواسته‌هایشان تاکید کردند. نکته قابل توجه اینجاست که در نشست ۱۵ مرداد کارگران با نمایندگان مجلس اسلامی مقرر شده بود که بعد از نشست با جهانگیری نماینده دولت و رایزنی با دولتی ها در روز ۲۰ مرداد، امروز ۲۲ مرداد مجلس در خصوص وضعیت مالکیت شرکت وارد بحث شود. در چنین شرایطی است که رسانه حکومتی ایلنا با چنین شایعه پراکنی هایی تلاش دارد تا فضا را مشوش کند و در جامعه نسبت به اعتصاب کارگران ابهام پراکنی نماید و اعتصاب کارگران را تضعیف کند. اما کارگران با برپایی تجمع اعتراضی خود مقابل فرمانداری بر ادامه اعتصاب تا رسیدن به تمام خواسته‌هایشان تاکید کردند و پاسخ محکمی به تشبثات این رسانه معلوم الحال دولتی دادند.

به گزارش ایلنا به دستور رئیس دستگاه قضائی حسابهای مسعود مدیرعامل کشت و صنعت هفت تپه برای پرداخت حداقل دوماه حقوق کارگران باز شده است. فیش های حقوقی اردیبهشت و خرداد ماه کارگران در حال آماده شدن است که به محض واریز شدن پول به حساب شرکت، فیش ها آماده ارائه به کارگران باشد. کارگران میگویند وعده بس است. پرداخت حقوق معوقه صدقه نیست و نیازی به این همه شرط و شروط وعده و وعید و تشریفات ندارد. طلبه‌ایمان را فوراً پرداخت کنید. دفتر چه های بیمه مان را تمدید کنید و دیگر خواسته‌هایمان را نیز عملی نمایید.

خواست خلع ید از بخش خصوصی چپاولگر و دزد از کارخانه و فرستادن نماینده ای از سوی دولت و اداره کارخانه زیر نظارت و مشورت کارگران در صدر خواسته‌های این کارگران قرار دارد. کارگران همچنین بر بازگشت به کار اسماعیل بخشی و دیگر کارگران اخراجی و لغو پرونده های امنیتی علیه آنها پافشاری میکنند. کارگران نیشکر هفت تپه با اتکا به تصمیم گیری شورایی از طریق مجمع عمومی خود اعتراضاتشان را متحدانه به جلو میبرند و الگوی درخشانی برای همه کارگران وکل جامعه هستند.

از مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه باید فعلا نه حمایت و پشتیبانی کرد.

پیش بسوی اعتصابات سراسری  
پیش بسوی ایجاد شوراها  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۲ مرداد ۱۳۹۹، ۱۲ اوت ۲۰۲۰

## ادامه اعتصابات با شکوه کارگران نفت، هفت تپه و هپکو

روز ۲۲ مرداد اعتصابات بخشهای مختلف کارگران پیمانی و قراردادی نفت وارد دوازدهمین روز خود شد. اعتصابات در پالایشگاهها و صنایع پتروشیمی و گاز و چندین نیروگاه همچنان جریان دارد و در روزهای اخیر شمار بیشتری از مراکز نفتی به اعتصاب پیوستند. کارگران پالایشگاههای نفت و گاز و پتروشیمی آبادان، اهواز، ماهشهر، قشم، کنگان و لامرد و دشت آزادگان، فازهای ۲۲ و ۲۴ پارس جنوبی و پتروشیمی رازی ماهشهر که در روزهای گذشته وارد اعتصاب شدند، همچنان در اعتصاب بسر میبرند. چندین هزار کارگر در پروژه های مختلف کار را تعطیل کرده و راهی خانه هایشان شده اند. این اعتراضات هر روز دامنه اش وسیعتر میشود و بخش بیشتری از کارگران مراکز نفت و گاز و پتروشیمی را در بر میگیرد.

کارگران نیشکر هفت تپه نیز به اعتصاب طولانی مدت و متحدانه خود با قاطعیت ادامه میدهند. همچنین کارگران هپکو ده روز است که در اعتصاب به سر میبرند و فضای شهر اراک را تحت تاثیر قرار داده اند.

تا کنون تلاش های سرپرستان و مسئولان سایت ها و فازهای نفتی برای شکستن اعتصاب کارگران بی نتیجه مانده است. پیمانکاران همچنان تلاش در ایجاد تفرقه میان کارگران و تضعیف اعتصاب را دارند. یک نمونه اش در پتروشیمی رازی ماهشهر است که پیشتر از این اعتصابات بودند. اما تفرقه های پیمانکاران در میان کارگران مکانی ندارد و هیچ کارگری برای انجام کار به پروژه ها مراجعه نکرده و کارگران در اقدامی هماهنگ خواسته های خود را نوشته و به نهادهای مسئول اعلام کرده اند.

کارگران نفت با هشتگ دفاع از حقوق از روز ۱۱ مرداد اعتصاب خود را آغاز کردند و کارزار آنها نه به قراردادهای موقت است. این کارگران خواستار خلع ید از پیمانکاران و تبدیل قراردادهای موقت به دائم، افزایش فوری حقوقها و پرداخت دستمزدهای معوقه، لغو مقررات برده وار مناطق موسوم به مناطق ویژه اقتصادی، پایان دادن به فضای امنیتی در محیط های کار و برخورداری از امکانات استاندارد زیستی در خوابگاه ها و ایمنی محیط کارشان هستند. خواسته های کارگران نفت خواسته های کل کارگران را بیان میکند و باید وسیعاً مورد حمایت قرار گیرد.

در نیشکر هفت تپه نیز حکومت و مسئولین عقب نشینی هایی را تقبل کرده اند و کارگران خواستار عملی شدن وعده های داده شده و تعیین تکلیف وضعیت مالکیت شرکت هستند و یک خواست آنها گسیل نماینده ای از سوی دولت و اداره شرکت تحت نظارت و مشورت کارگران است.

در هپکو کارگران بار دیگر در دفاع از

زندگی و معیشتشان و بیلتکلیفی شرکت و دست بدست شدن آن بین اختلاسگران و تعویق پرداخت حقوقهایشان از روز ۱۳ مرداد وارد اعتصاب شدند. این کارگران به واگذاری هپکو به تامین اجتماعی که خود پرونده قطوری از دزدی دارد و تکه پاره کردن سهام این شرکت به دست دزدان معترضند. در عکس العمل به تجمع اعتراضی کارگران هپکو مقابل دفتر مدیریت، مدیرکل اداره کار استان مرکزی در مصاحبه ای با عصر مرکزی عنوان کرده است که با تجمع کردن اتفاق خاصی نخواهد افتاد و کارگران را بخاطر تجمع مقابل دفتر مدیر شرکت و سد کردن محل کار وی مورد تهدید قرار داده است. کارگران هپکو طی بیانیه ای با دادن پاسخ محکمی به وی صدای اعتراضاتشان را بلند کرده و بر تداوم اعتراضات تا رسیدن به خواسته های خود تاکید کردند.

اعتصابات کارگری دارد سراسری میشود و توجه کل جامعه را به خود جلب کرده و انعکاس وسیع جهانی داشته است. در ادامه همبستگی ها با این اعتصابات بندگان ایولیا هوسور دبیر کل کنفدراسیون ملی اتحادیه کارگری (کارتل آلفا) از کشور رومانی طی بیانیه ای حمایت و پشتیبانی خود را از اعتصابات کارگران نفت و دیگر مراکز کارگری اعلام کرد و برخواستهای پرداخت فوری حقوق معوقه تمامی کارگران اعتصابی، متوقف شدن اخراج ها و تهدیدها، و آزادی بدون قید و شرط تمامی کارگران زندانی تاکید نمود. این همبستگی ها ادامه دارد.

اعتراض کارگران نفت، در کنار اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه و هپکو، رویدادهایی بسیار مهم است و توجه کل جامعه را بخود جلب کرده است. این اعتصابات بستر رفتن بسوی اعتصابات سراسری و هماهنگ کارگری است باید فعلا نه از این اعتصابات حمایت کرد و به این اعتصابات پیوست.

پیش بسوی اعتصابات سراسری  
پیش بسوی ایجاد شوراها  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۲ مرداد ۱۳۹۹، ۱۲ اوت ۲۰۲۰

## فراخوان به کارگران نیشکر هفته تپه و خانواده های آنها

دو ماه مبارزه قهرمانانه و پرشور شما و تجارب ارزشمند مبارزاتی شما الگویی از یک اعتصاب و اعتراض بسیار پیشر و مهم را در مقابل کل جنبش کارگری قرار داده و تاثیرات مهمی بر مبارزه عادلانه و آزادیخواهانه همه مردم معترض بر جای گذاشته است. از کوتاه نیامدن و به



وعده های توخالی دل خوش نکردن تا سنت شورایی و مجمع عمومی هر روزه شما و تصمیمات جمعی در مورد خواست ها و مبارزاتتان اینها همه نقاط قوت مهم مبارزه شما بوده است و همین نقطه قوت ها به شما امکان داده است که اعتصاب متحد و طولانی مدتی را به پیش ببرید. حکومتیان را به پای میز مذاکره بکشانید و صدایتان را به گوش جامعه برسانید. اما مبارزه شما به موقعیتی رسیده است که باید قدم های تازه ای بردارید تا با قدرت بیشتری جبهه مقابل را عقب برانید.

کلید پیشروی قدرتمندتر شما حضور قدرتمند خانواده های شما در صف راهپیمایی در شهر شوش و تجمع مقابل فرمانداری است. خانواده های شما همیشه یار و یاور مبارزه شما بوده و از ۱۴ سال قبل به اینطرف بارها در تجمعات و راهپیمایی های شما فعالانه شرکت کرده اند. حکومتیان و اسدیگی ها باید بدانند و ببینند که شما کارگران اعتصابی باری دیگر در صف قدرتمندی همراه با خانواده هایان خیابانهای هفت تپه و شوش را به تسخیر خود درمیایورید. شما تجربه تبدیل اعتصاب خود به اعتصاب کل شهر را دارید و امروز بیش از همیشه مردم در کنار شما هستند و شما را همراهی میکنند. دوماه اعتصاب متحدانه شما حکومتیان را به دست و پا انداخته است. اکنون باید با نیروی گسترده تر و بیشتری تعرض کنید تا وعده های مقامات عملی شود. شما باید قاطعانه اینرا اعلام کنید و آنرا سازماندهی کنید. همه نیروستان را به میدان بیاورید تا مقامات مجبور شوند وعده هایشان را عملی کنند. تنها قدرت اتحاد شما و بسیج همه نیروی شما میتواند به شما در مذاکره دست بالا بدهد.

به میدان آمدن همه نیروی پنجهزار نفره شما و هزاران نفر اعضای خانواده هایان نیروی عظیمی است که بلافاصله در مذاکرات و عملی شدن خواست های شما تاثیر خواهد گذاشت و در عین حال درس تازه ای به میلیون ها کارگر و مردم عاصی در مبارزه برای رهایی از این وضعیت خواهد داد. حزب کمونیست کارگری کلیه خانواده های کارگران اعتصابی و کلیه مردم هفت تپه و شوش را به پیوستن به صفوف کارگران فرا میخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۴ مرداد ۱۳۹۹، ۱۴ اوت ۲۰۲۰





حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-Communist Party Of Iran

## لیست پالایشگاهها و دیگر مراکز کارگری در حال اعتصاب

- ۱- نیشکر هفت تپه
- ۲- هپکو در اراک
- ۳- پالایشگاه پارسین
- ۴- پالایشگاه اصفهان
- ۵- میدان نفتی آزادگان شمالی در هویزه
- ۶- کارگران پیمانکاری فولاد سنگان
- ۷- رانندگان ۳۵۰ ناوگان اتوبوسرانی ارومیه
- ۸- شرکت اسفالت طوس
- ۹- پالایشگاه لامرد جوشکزان گروه درخشنده و جاور
- ۱۰- پتروشیمی لامرد فارس
- ۱۱- پالایشگاه های فازهای ۲۲ و ۲۳ پارس جنوبی کنگان
- ۱۲- گروه پیمانکاری آریا نگین خوزستان NGL
- ۱۳- بخشی از کارگران پروژه ای آبادان، پتروپالایش کنگان
- ۱۴- فلز ۱۳ شرکت لیدما
- ۱۵- پالایشگاه نفت سنگین قشم در استان هرمزگان
- ۱۶- پتروشیمی هنگام ماهشهر
- ۱۷- پالایشگاه جفیر اهواز، پتروشیمی سیلان
- ۱۸- کمپ امام حسین در فاز ۱۳
- ۱۹- نیروگاه برق رودشور تهران، نیروگاه ایرانشهر
- ۲۰- فلز ۱۳ تمیک
- ۲۱- شرکت آذران گستر پالایشگاه نفت سنگین قشم
- ۲۲- آویژه صنعت، پالایشگاه نفت سنگین قشم
- ۲۳- شرکت ای.جی.سی در پالایشگاه آبادان
- ۲۴- شرکت سونا صنعت، پتروشیمی پارس فنل
- ۲۵- سیکل ترکیبی ارومیه، شرکت تناوب، فاز ۱۴
- ۲۶- پالایشگاه ماهشهر شرکت تهران جنوب
- ۲۷- فاز ۱۴ پیمانکاری مطوری در پارس جنوبی
- ۲۸- نیروگاه برق پارس جنوبی، نیروگاه بیدخون عسلویه
- ۲۹- نیروگاه سیکل ترکیبی مینا بویلر در مشهد
- ۳۰- شرکت ارتو پارت پیمانکاری باقری
- ۳۱- پتروشیمی رازی، شرکت جهانپارس ایلام مهران
- ۳۲- شرکت اکسیر صنعت در فاز ۱۳ در اسلکه تنبک
- ۳۳- نیروگاه سیکل ترکیبی تبریز هم جوشکزان ها و هم فئره
- ۳۴- سایت پتروشیمی عسلویه
- ۳۵- فولاد سنگان پیمانکاری فیضری شرکت فولاد کوشان
- ۳۶- شرکت اسفالت طوس دشت آزادگان
- ۳۷- نیروگاه سیکل ترکیبی پارس جنوبی
- ۳۸- پتروشیمی بوعلی
- ۳۹- کارگران نیروگاه برق سیلان
- ۴۰- نیروگاه برق اردبیل
- ۴۱- شرکت نصب نیرو
- ۴۲- راه آهن اندیمشک
- ۴۳- پیکاپ دارهای اجاره ای شرکت نفت گچساران
- ۴۴- پارس جنوبی سپهر فارس
- ۴۵- رانندگان کامیون و کامیونداران سیرجان
- ۴۶- آپادراهان پالایشگاه آبادان مستقر در فاز ۲
- ۴۷- فرابتروساز پیمانکاری مسلم شیرازی
- ۴۸- پارس فنون در رح توسعه فاز ۲ و ۳
- ۴۹- کیهان پارس
- ۵۰- پارسین سپهر فارس
- ۵۱- از مون فلز
- ۵۲- شرکت حلقه صنعت ایران

\*\*\*

تا کنون اتحادیه های کارگری بزرگی در سطح جهان از جمله کنفدراسیون ملی اتحادیه کارگری، حزب کار در ترکیه «Emek Partisi»، اتحادیه جهانی اینداستریال، ۸۰ سندیکا و تشکل کارگری در کشورهای مختلف شورای اتحادیه های کارگران در استرالی و ۵ اتحادیه کارگری در فرانسه شامل کنفدراسیون فرانسوی دموکراتیک کار CFTD، کنفدراسیون عمومی کار CGT، فدراسیون سندیکائی متحد FSU، اتحاد سندیکائی متحد Solidaires، اتحادیه سندیکائی مستقل UNSA حمایت و همبستگی خود را با موج اعتصابات کارگری در ایران اعلام کرده اند.

تلفن و ای میل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358405758250

E-mail: abdolgolparian3@gmail.com

شوراهای سازماندهی اعتراضات را در همه جا ایجاد کنیم

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!